



جلد دوم سرمایه

کارل مارکس - فردریش انگلس
شورای دانشجویان و جوانان چپ ایران



سرمايه

(به زبان ساده)

کارل مارکس فردریش اینگلس

ترجمه‌ای از:

zoku sihon- ron

تصویرگر: Variety Art Works

تدوین و تنظیم:

ayaho Usada

تهیه شده توسط انتشارات: East Press

چاپ اول / توکیو / ۲۰۰۹

برگردان: اولدوز درخشان

ویرایش نخست: عباس شاد، پژمان رحیمی

امور فنی و اجرایی:

سارا کوشش، ندا شایان،

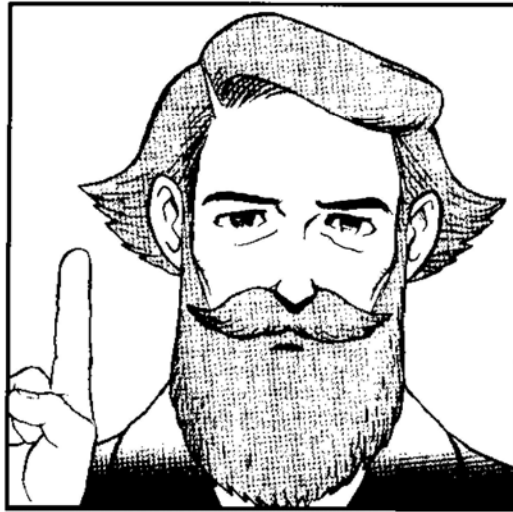
آزادپاکباز، جاویدجویان

انتشارات

شورای دانش جویان و جوانان چپ ایران

سرمایه

قهرمان‌ها



فردریش انگلس

راوی این قسمت، بعد از مرگ مارکس با یادداشت‌هایی که از او به جا مانده بود، جلد دوم و سوم کتاب سرمایه را برای نشر آماده کرد.



کارل مارکس

بنیان‌گذار سوسیالیسم علمی، به همراه انگلس ساختار سرمایه‌داری و کارکردهای آن را تحلیل کرد و برای رسیدن به جامعه‌ای بی‌طبقه و برابر مبارزه کرد.



روبین

مدیر کارخانه‌ی پنیر؛ با تردید به کارکرد سیستم سرمایه‌داری می‌نگرد.



کارل

کارگری که برای کمک به وضعیت خانواده‌اش تلاش می‌کند.



رئیس گلد

مدیر اجرایی بانک بزرگ



دانیل

سرمایه‌گذار؛ از جوانان آینده‌دار دنیای تجارت



صاحب نمایشگاه

رئیس نمایشگاه تولید ابزارآلات و ماشین؛
با مشکلات مالی مواجه است.



در سیستم سرمایه‌داری
ثروت اجتماعی
به شکل انبوه عظیمی از کالا
دید می‌شود

سرمایه

کارل مارکس
فردریش انگلس



این جامعه گویی
انباری از
کالاهاست

جامعه‌ی سرمایه‌داری
با کالاهای متنوع
همواره پر و خالی
می‌شود.



سرمایه‌داری
چگونه
عمل می‌کند؟

بی‌وقفه افزوده
و
گسترده می‌شوند...

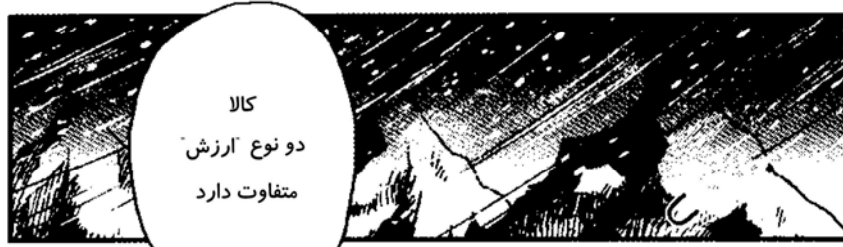
در حالی که برای
رفع احتیاج انسان‌ها
به چیز بیشتری
نیاز نیست،
این کالاها...



در جامعه‌ی
سرمایه‌داری
«کالا» چیست؟

بگذارید من
به‌جای مارکس
که دیگر
در میان ما نیست
برای شما
توضیح بدهم

انگلس



کالا
دو نوع «ارزش»
متفاوت دارد



کارمون تمومه

روز هفتمی که
گیر افتاده‌اند:
خیلی گرسنه‌اند!





با خودم
نان و الماس
آورده‌ام



آآیی!



شما الان
به چه چیزی
احتیاج دارید؟
الماس یا نان؟

معلومه!
نان

نان!



درسته!
وقتی گرسنه‌ایم
به نان نیاز داریم
نه الماس...

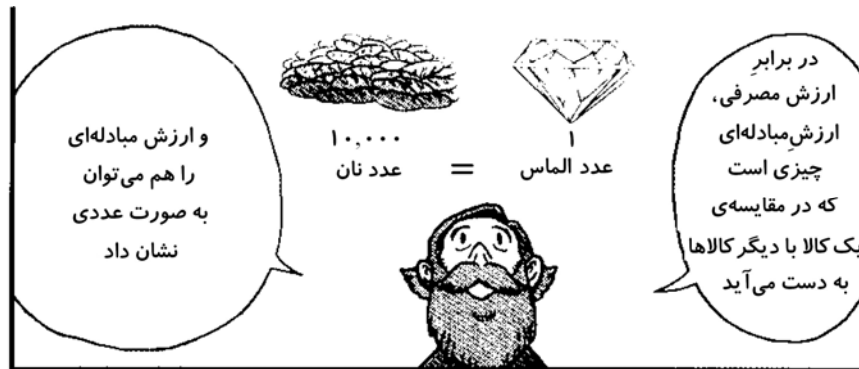
ارزش‌مصرفی
به شرایط افراد
و نیازهایی که برایشان
اهمیت دارد
وابسته است

و با توجه
به نیازهای
واقعی افراد
تعیین می‌شود

بده دیگه!

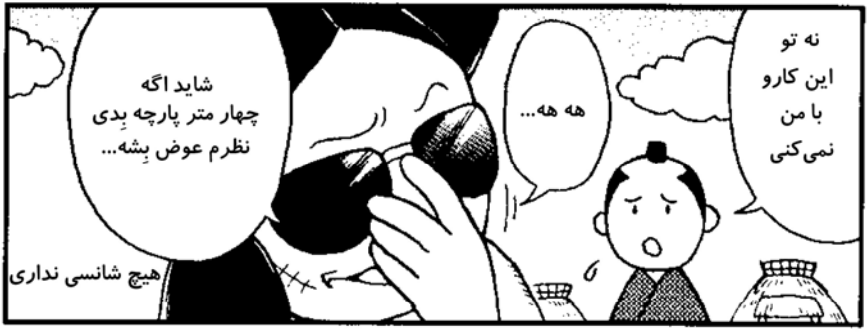
الماس برای مجالس
پُر زرق و برق ثروتمندان

نان برای گرسنه





دوره‌ای که کالا را با کالا مبادله می‌کردند (مبادله‌ی پانچایی)



ارزش مبادله‌ای

وقتی میزان کاری که برای تولید پارچه یا صید ماهی انجام می‌شود برابر باشد، یعنی ارزش مبادله‌ای یکسانی هم داشته باشند

۴ عدد ماهی = ۱ متر پارچه

در صورتی که پارچه یا ماهی برای یک طرف معامله ارزش مصرفی نداشته باشد داد و ستدی که بر اساس "ارزش مبادله‌ای" از آن سخن گفتیم هم صورت نمی‌گیرد

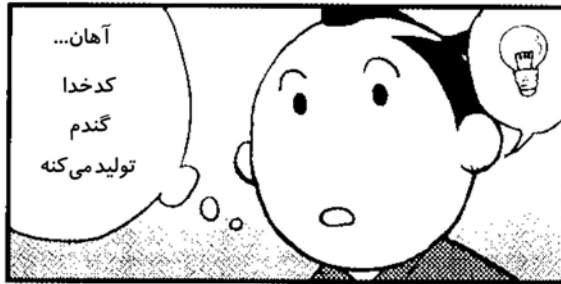
کیسه برنج ۱ = ۴ عدد ماهی

لیتر روغن ۱ = ۴ عدد ماهی

۲۰۰ گرم چایی ۱ = ۴ عدد ماهی

خیلی خوب... با چی حاضر بودی عوض کنی؟

مثلاً اگه اینا رو می‌دادی عوض می‌کردم

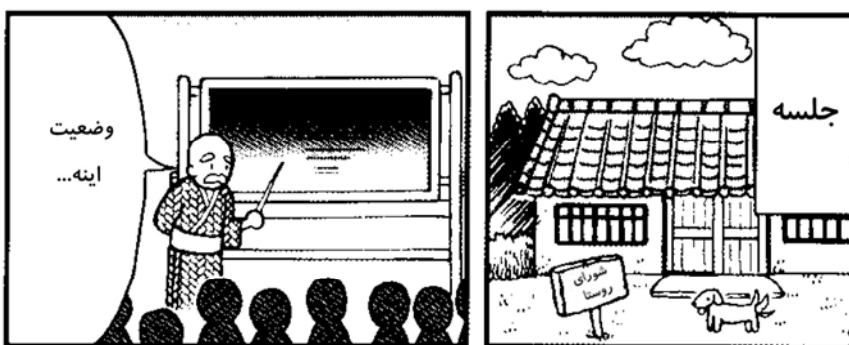


عدد ماهی = ۴ = کیسه برنج


متر پارچه = ۱ = کیسه برنج


لیتر روغن = ۱ = کیسه برنج


اگه بخوایم
مدت زمانی
که من کار کردم را
در نظر بگیریم
من اینا رو
می‌خوام



نرخ کالاها
تثبیت شده است
و ارزش مبادله‌ای
کالاها با گندم
مشخص می‌شود

۴ = عدد ماهی 


۱ = متر پارچه 

۱ = لیتر روغن 

کیسه گندم

و...

به کالایی که در مبادله "معیار"
قرار بگیرد کالا-پول می‌گویند



اما...
بعد از مدتی...

عالیه
فوق العاده س



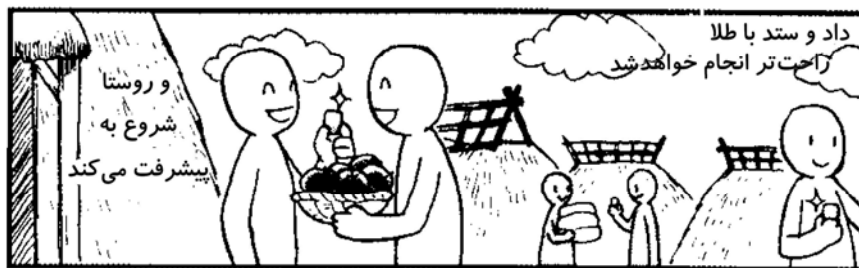
هووم!

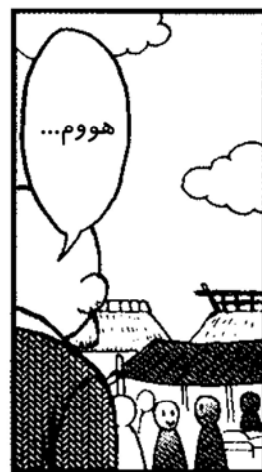
گندم
خیلی
سنگینه...

حمل و نقلش
سخته...

کاش می‌شد
کمی سبک‌تر
باشه...





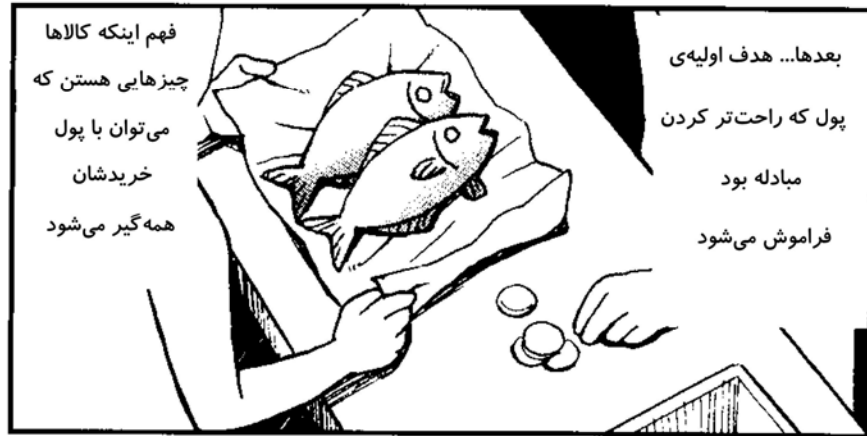


و روی آن
ارزش
عددی‌اش
درج می‌شود



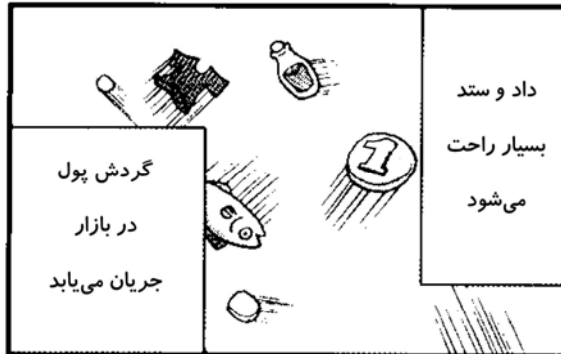
مقدار مشخصی
طلا
در قالبی
ریخته می‌شود





فهم اینکه کالاها
چیزهایی هستند که
می توان با پول
خریدشان
همه گیر می شود

بعدها... هدف اولیه ی
پول که راحت تر کردن
مبادله بود
فراموش می شود



گردش پول
در بازار
جریان می یابد

داد و ستد
بسیار راحت
می شود



بدشمنی آوردیم!
طلایی در معدن
باقی نمانده...



کدخدا





نه "ارزش" مادی پول...

بلکه
اعتبار پول
مهم است



رفته رفته جای
سکه های طلائی را
پول هایی از جنس
دیگر می گیرند

در نهایت هم،
چک و اوراق بهادار
ایجاد می شود
که مبادله را
راحت تر می کند



تا زمانی که
به عنوان معیار سنجش
ارزش کالاهای دیگر
به کار رفت

در آغاز پول
با کالاهای دیگر
تفاوت نداشت



پول
مهمترین
منبع قدرت
است

انسانها
به این نتیجه
می رسند که



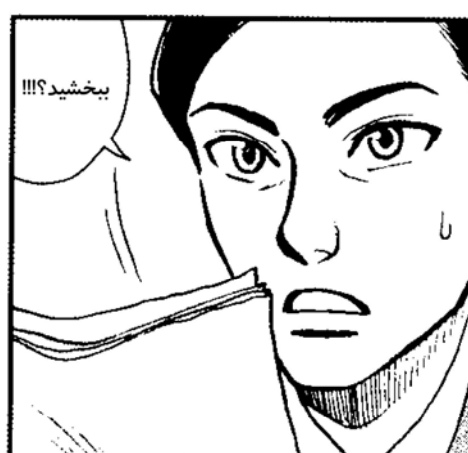
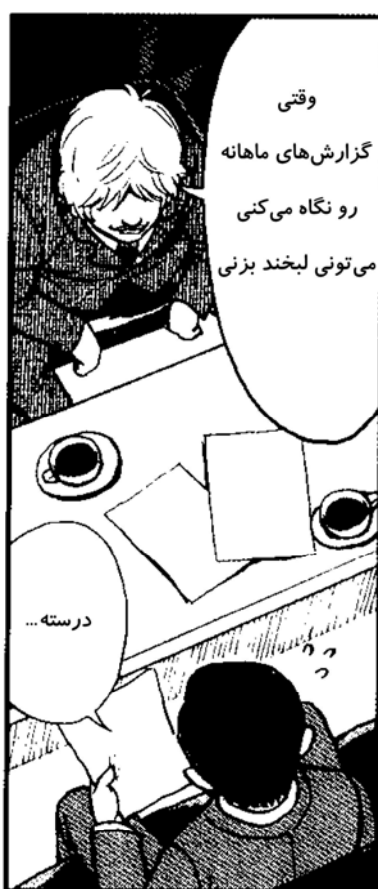
پول به عنوان
قدرت مسلط بر
روابط انسانی
جاری می شود

با گذشت زمان پول
ارزش انسانها را نیز
مثل کالاها تعیین می کند

پول
دیگر
خدا
شده است











نگاهی به سازوکار
سرمایه‌داری بیندازیم

با کمک
این دو قهرمان،
در زمانه‌ای که
رابطه‌ی بین پول و کالا
بسیار
پیشرفته شده است



سود یعنی
همه‌ی اشیا‌ئی که
قابلیت تولید دارند

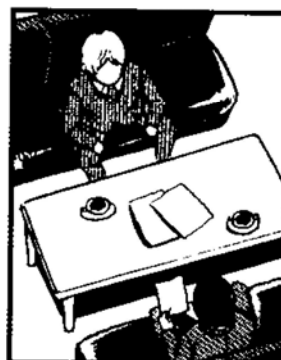
اول ببینیم
"سرمایه"
چیست



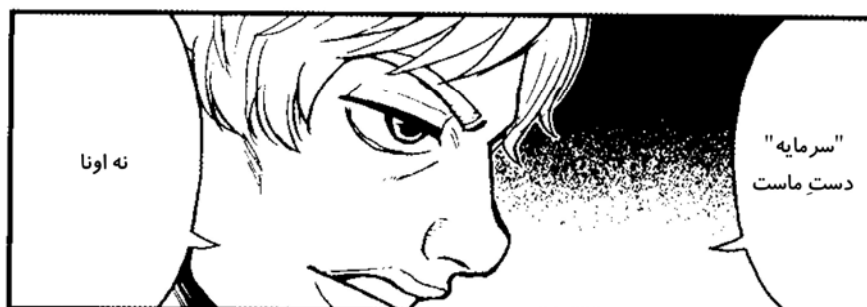
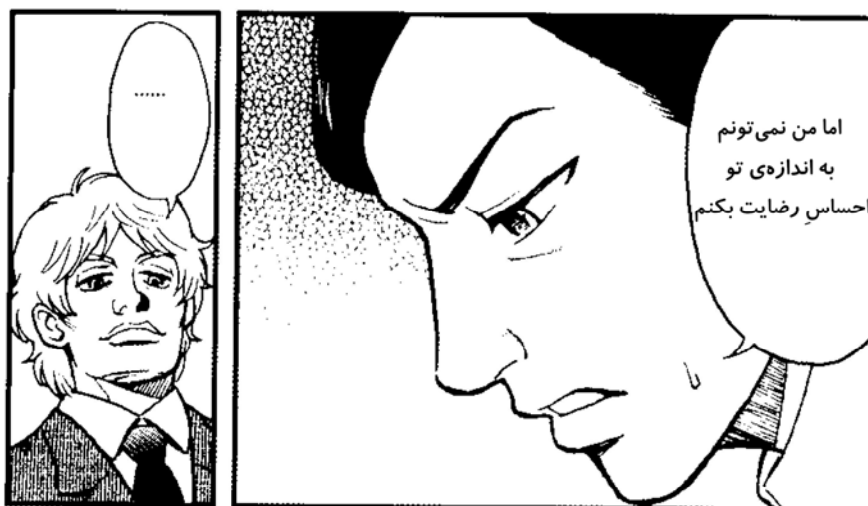
پولی که به کارگران
پرداخت می‌شود،
ابزارآلات و ماشین‌ها و
مواد اولیه‌ای که برای
تولید ضروری هستند

سه عامل مهم
در به‌دست‌آوردن
سود...













ارزش
نیروی کار (یک روز) = دست‌مزد (۱ پول)

اگر در روز کارگر یک صندلی تولید کند

ارزش واقعی آن کالا نیز یک پول است

یک پول کار لازم = یک کالا

ارزش
نیروی کار (یک روز) = دست‌مزد (۱ پول)

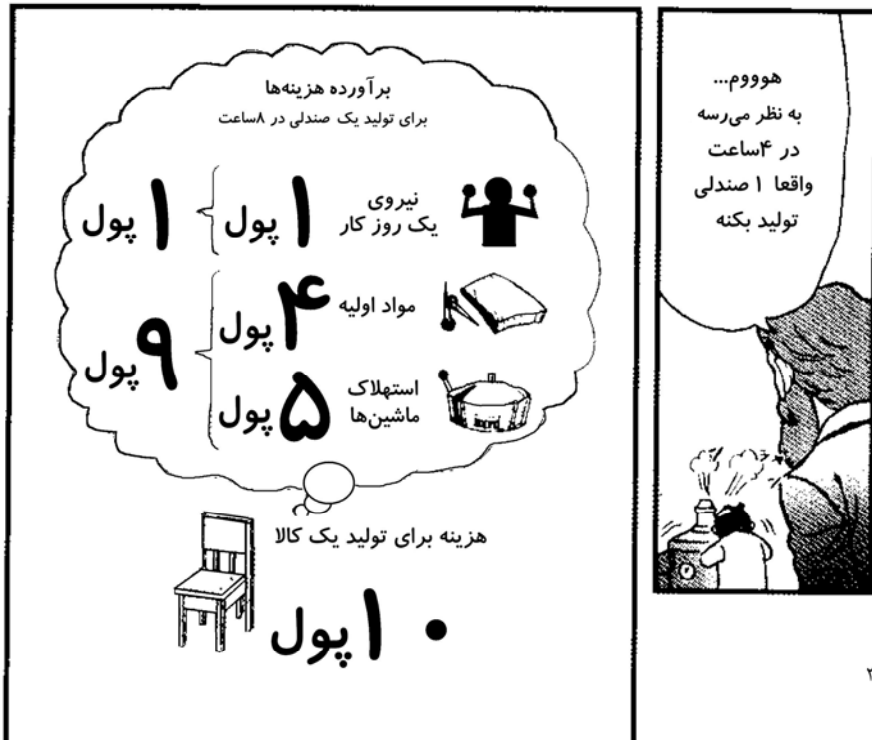
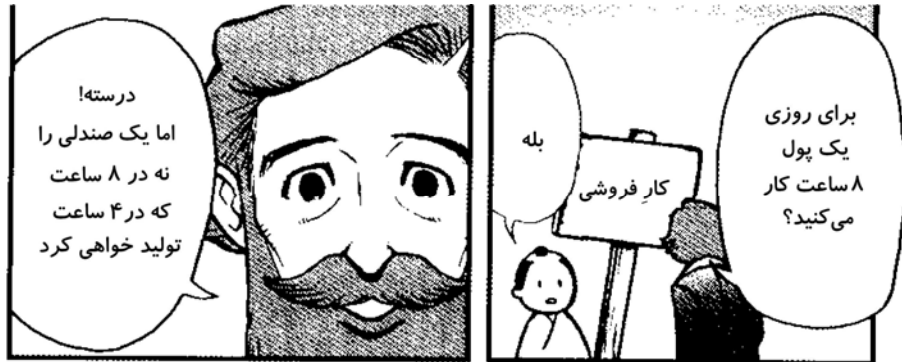
فرض کنیم مزد یک روز کار کارگر یک پول باشد

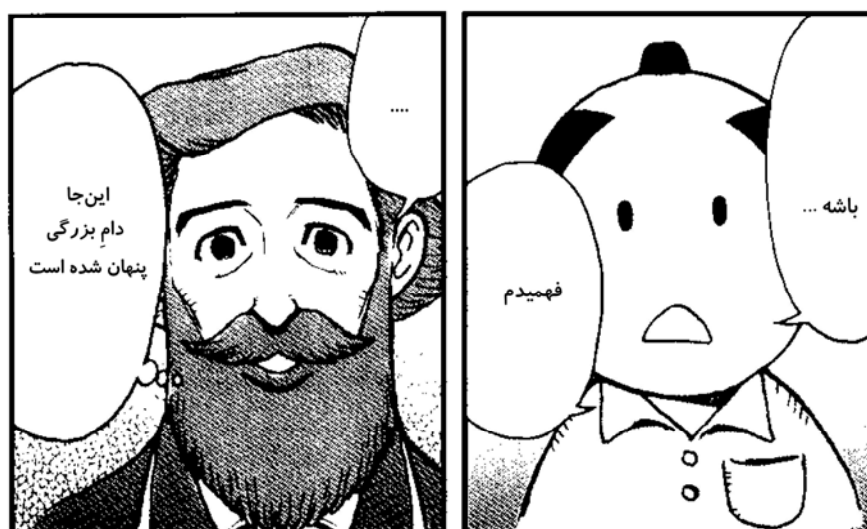
هم‌چنین فرض کنیم برای تولید هر کالا ۴ پول صرف مواد اولیه شده باشد

مواد اولیه ۴ پول

اگر ارزش ابزاری که با آن‌ها این کالا تولید شده ۲ پول باشد و تنها ۴ بار بتوان از این ابزار برای تولید صندلی‌ها استفاده کرد، در هر کالا ۵ پول هزینه می‌شود

۲ پول ÷ ۴ = ۵ پول





سرمایه‌ی متغییر: سرمایه‌ای است که برای خرید نیروی کار استفاده می‌شود و در دوره‌ی تولید، ارزش اضافی به وجود می‌آورد.

برآورد هزینه‌ها برای تولید ۲ صندلی در ۸ ساعت

نیروی یک روز کار	۱ پول	}	۱ پول
مواد اولیه (پول ۴ × ۲)	۸ پول		۱۸ پول
استهلاک ماشین‌ها (پول ۵ × ۲)	۱۰ پول		

کالایی که
۱ عددش ۱۰ پول است،
۲ عددش باید
معادل ۲۰ پول باشد

هزینه برای تولید ۲ کالا

۱۹ پول

از راه وادار کردن کارگر
به تولید ۲ کالا در روز
هزینه‌ی ۲۰ پول
به ۱۹ پول کاهش می‌یابد
و ۱ پول باقی می‌ماند

به این پول
"ارزش اضافی"
گفته می‌شود

سرمایه‌ی ثابت: بخشی از سرمایه مانند ماشین‌ها، تأسیسات و مواد اولیه که ارزش اضافی تولید نمی‌کنند و ارزش آن تغییر نمی‌کند.





این که سرمایه دار از نیروی کار چه اندازه سود کسب کند به استعداد او نیز بستگی دارد

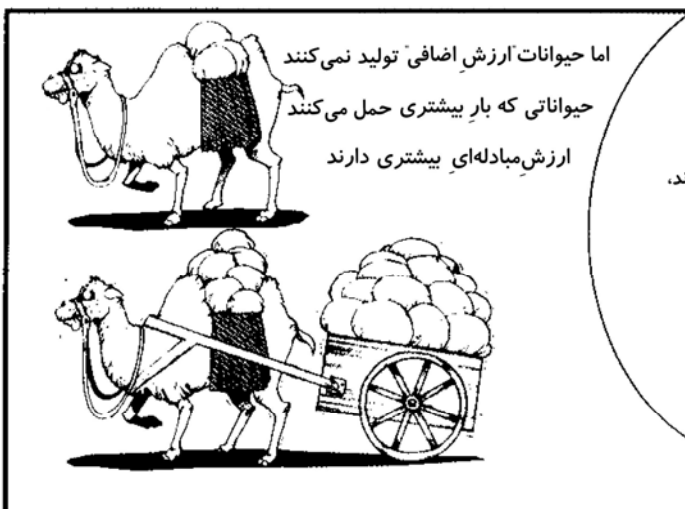


ارزش نیروی کار به گونه ای تعیین می شود که احتیاجات روزانه کارگر و خانواده اش تامین شود و همچنین پرورش کارگران آینده تضمین شود

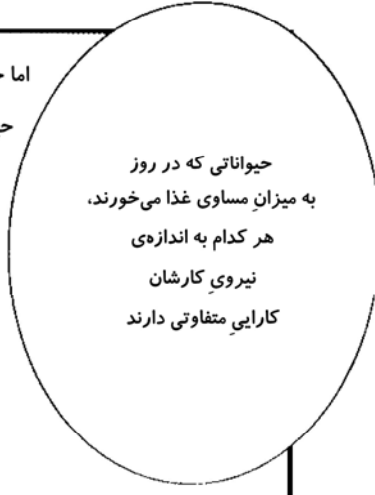


اما محصولات کار و نیروی کار دو مقوله متفاوت هستند

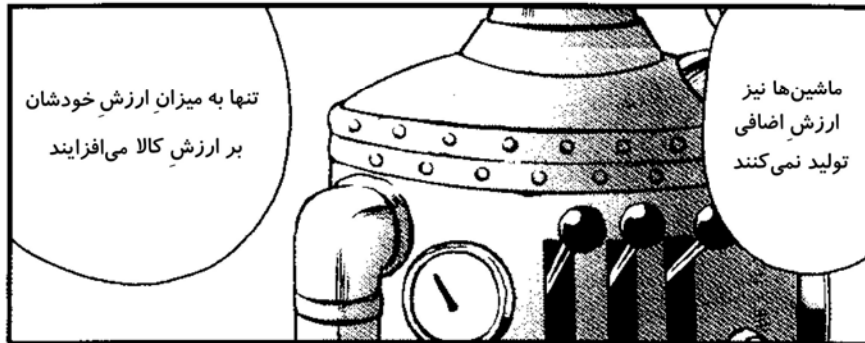
وضعیت پیچیده ای است ...



اما حیوانات ارزش اضافی تولید نمی کنند حیواناتی که بار بیشتری حمل می کنند ارزش مبادله ای بیشتری دارند



حیواناتی که در روز به میزان مساوی غذا می خورند، هر کدام به اندازه ی نیروی کارشان کارایی متفاوتی دارند



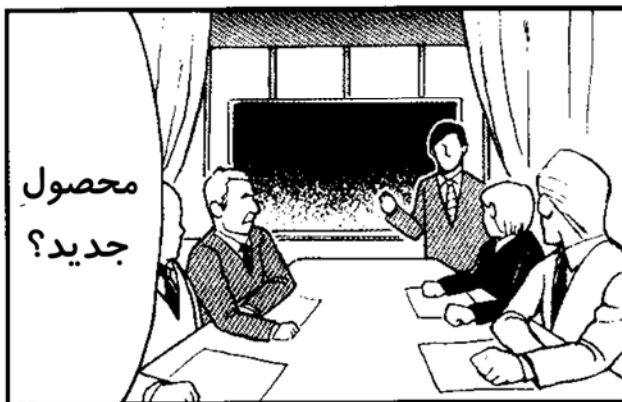
باز تولید گسترده: استفادهی سرمایه‌دار از تمام یا قسمتی از ارزش اضافی برای افزایش دادن ارزش تولید به جای مصرف کردن آن.





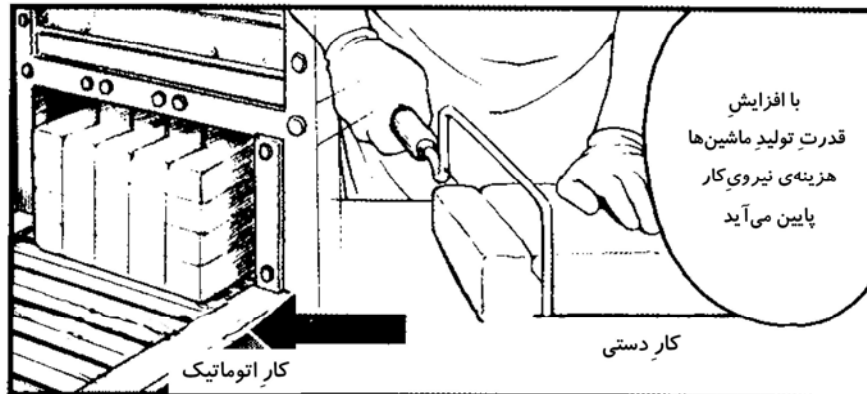


افزایش ارزش اضافی مطلق: افزایش ارزش اضافی ای که از راه مجبور کردن کارگران به کار در مدت زمان بیشتر ایجاد می شود.

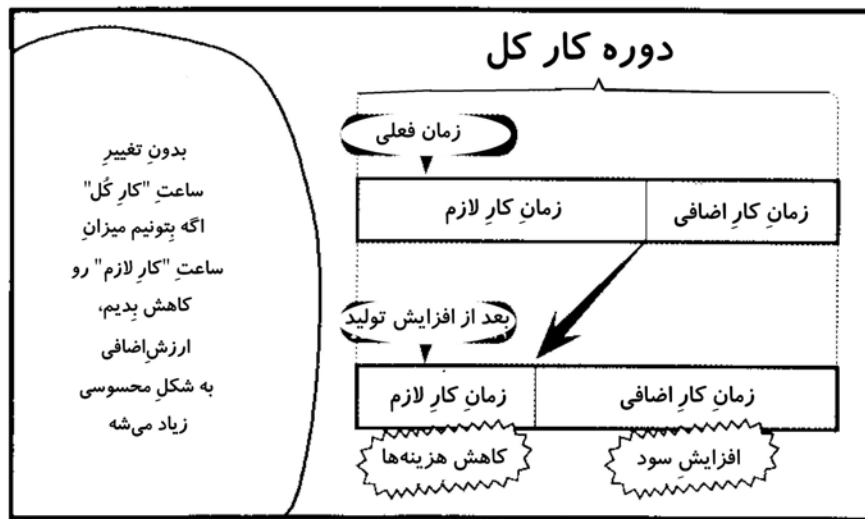


با کار بیشتر کارگرا
مگه نمی شه
سود بیشتری
کسب کرد؟





افزایش ارزش اضافی نسبی: ارزش اضافی نسبی از کاهش زمان کار لازم به دست می‌آید. افزایش ارزش اضافی ای است که به دنبال افزایش تولید و همچنین بائین آمن ارزش مواد ضروری مورد نیاز کارگران برای ادامه‌ی حیات (که در نتیجه‌ی افزایش پدست می‌آید) و به دنبال آن بائین آمن دستمزدهایی که در برابر نیروی کار پرداخت می‌شود به دست می‌آید.



ارزش اضافی فوق العاده: ارزش اضافی ای که به واسطه‌ی استفاده از فن‌آوری‌های جدید (قبل از فراگیر شدن آن‌ها) به دست می‌آید.





ما
کالاهای جدیدی
که شرکت‌های
دیگر
توان تولیدش
را ندارند

با فن‌آوری‌ای که
تنها در اختیار خودمان است
تولید می‌کنیم



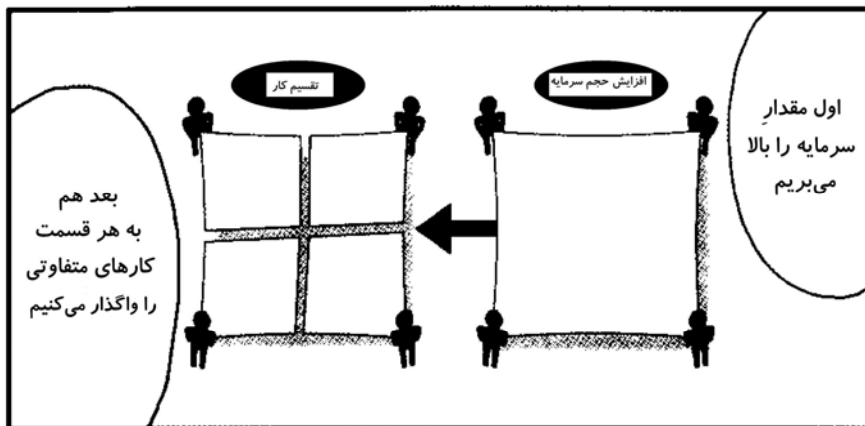
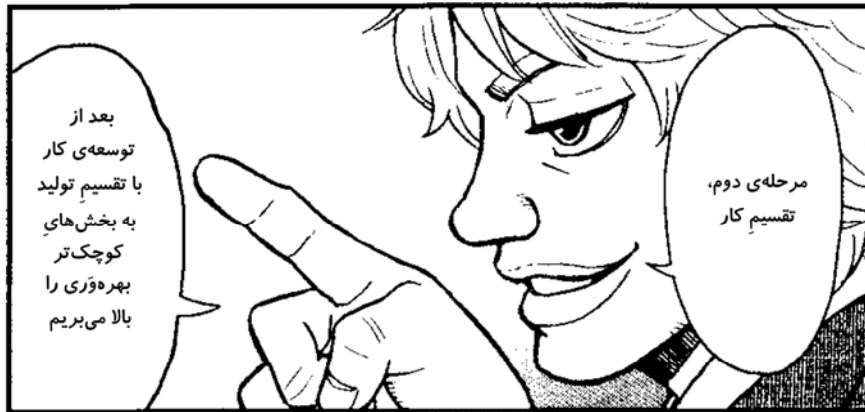
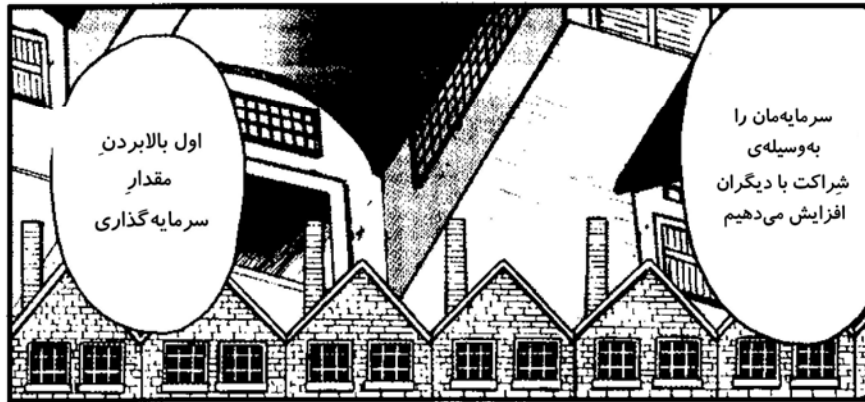
بازار را
در انحصار خودمان
می‌گیریم



از این راه همه‌ی
سودی را که
به دست می‌آوریم،
صرفاً بزرگ کردن
کارخانه می‌کنیم

به این شکل
افراد بیشتری را نیز
مشغول به کار
خواهیم کرد







می‌تونیم بدون این‌که
نیاز به آموزش
کارگرا داشته باشیم،
بی‌توجه به جنسیت و سن
تعداد زیادی کارگر رو
به کار بگیریم

با ساده کردن کار
آموزش آن نیز
راحت‌تر می‌شود



با تولید و
به‌کارگیری
ماشین‌آلات،
برای اهداف
تخصصی‌تر،
فن‌آوری را
رشد دهیم



همان‌طور که
هزینه‌های تولید
هر کالا را
به پایین‌ترین سطح
آوردیم...



به درد ما
هم می‌خوره



چرا که
پایین آمدن
هزینه‌های "نیروی کار"
به معنی
بالا رفتن سود
سرمایه‌داران است

بله درسته
باید هم به کار
صاحبان سرمایه بیاد



این امر برای
صاحبان سرمایه
فرصت خوبی است



اهمیت ندادن به سن و
جنسیت و مهم نبودن
مسئله‌ی آموزش به این
معناست که صاحبان
سرمایه می‌توانند به راحتی
کارگران را با نیروی
کار جدید جایگزین
کنند



کارگران را
مجبور می‌کنند که
با دستمزدهای
پایین‌تر کار کنند

با وجود افرادی
که حاضرند
با پول کمتری
کار کنند

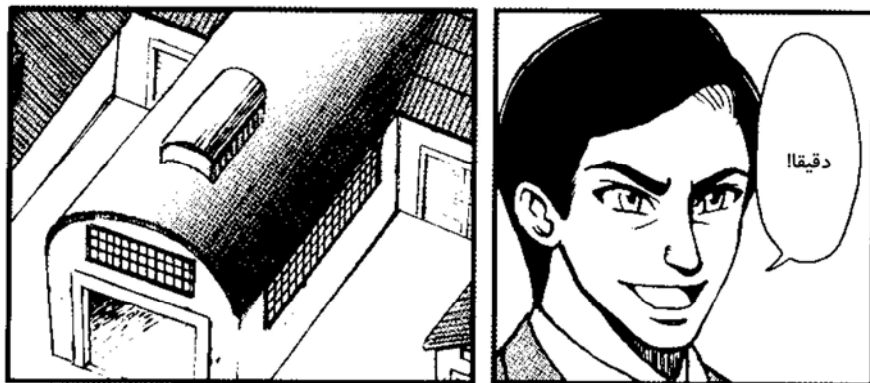
سند: نوعی کاغذ ارزشمند. اوراقی که تضمین کننده‌ی بازگرداندن پدھی های تجاری است.

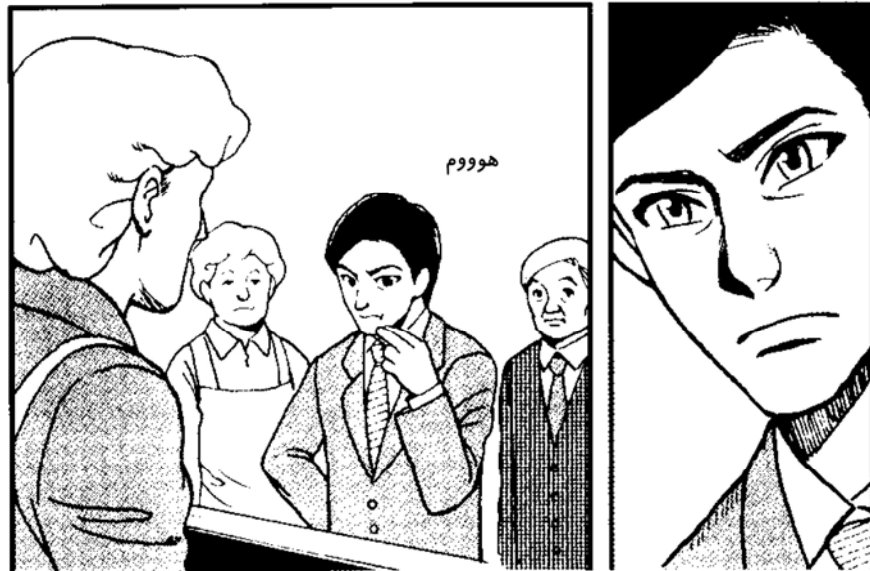
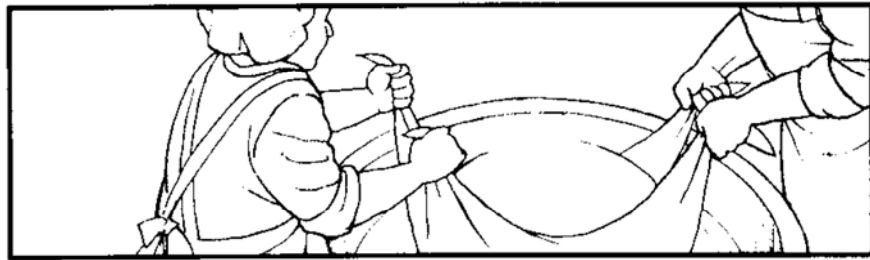
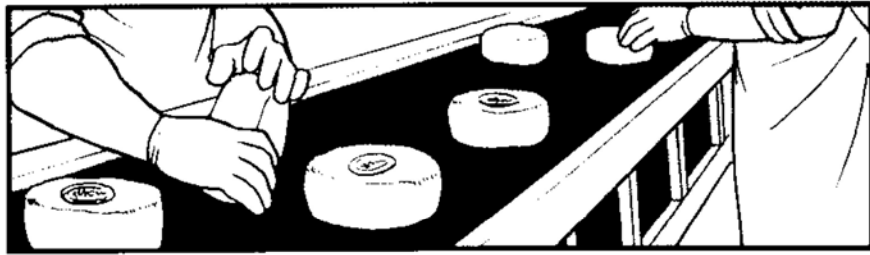


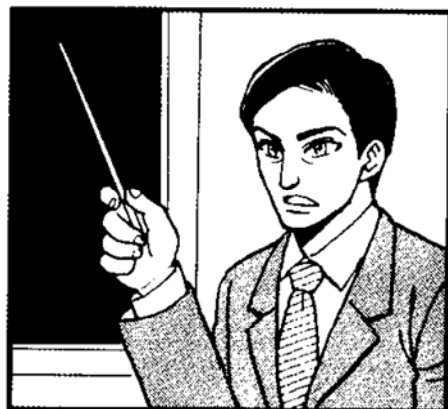
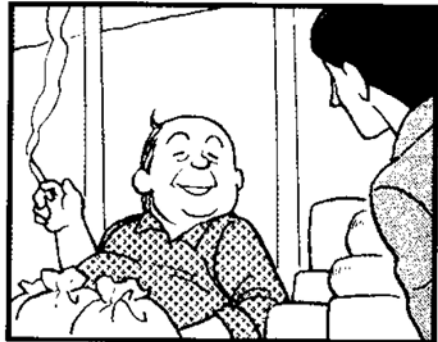
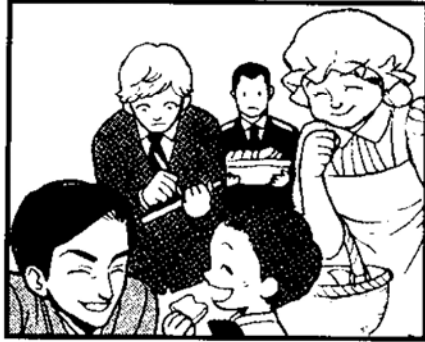


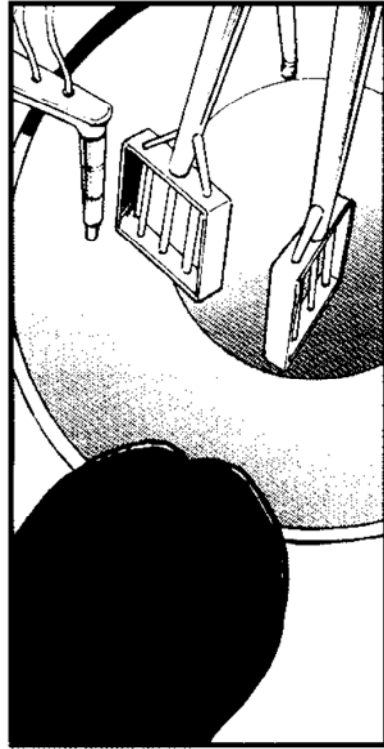
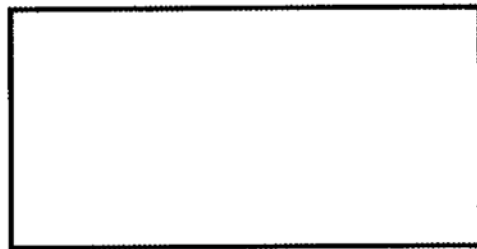
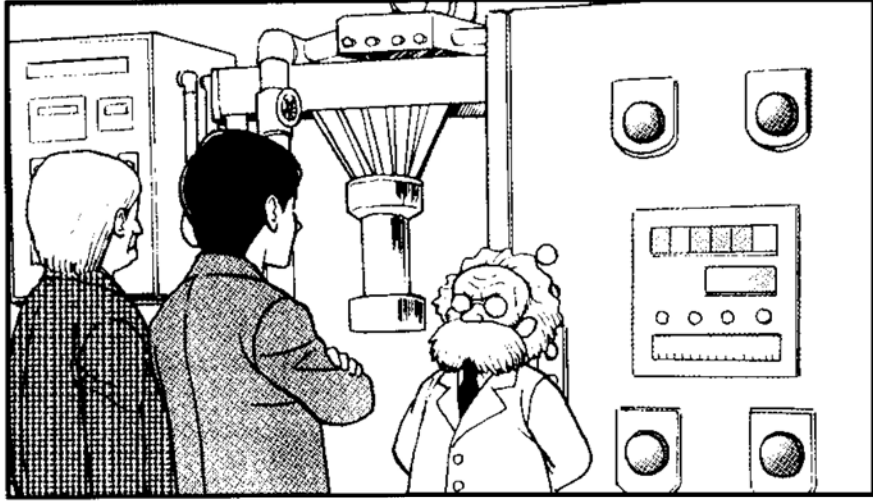




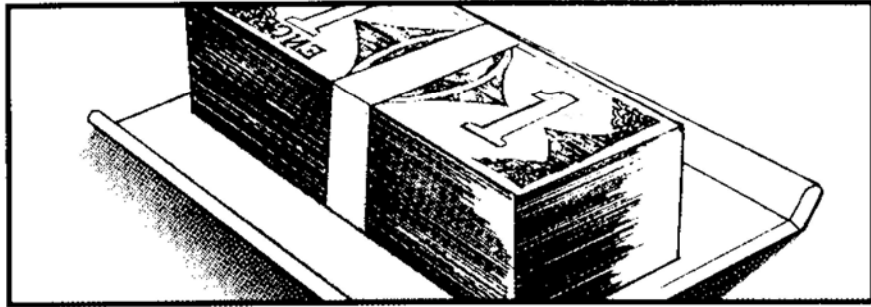


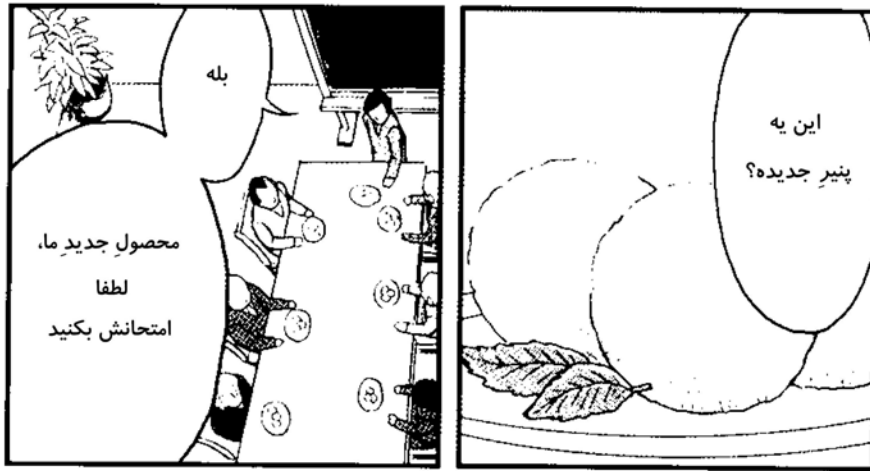


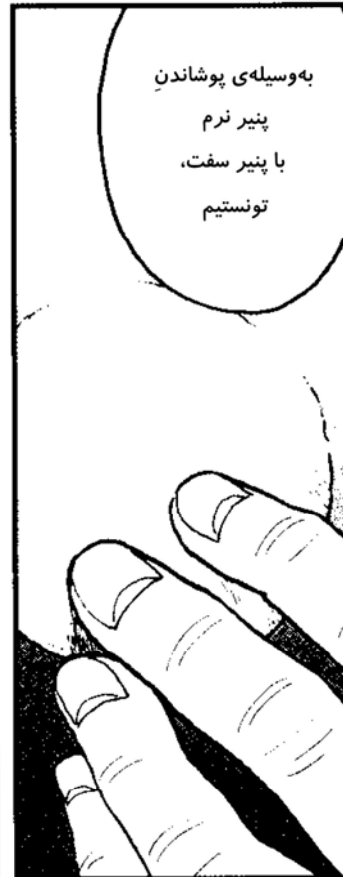


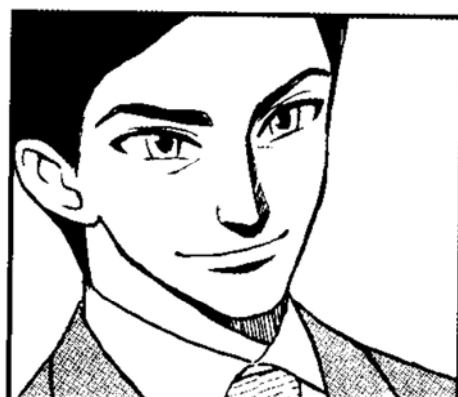


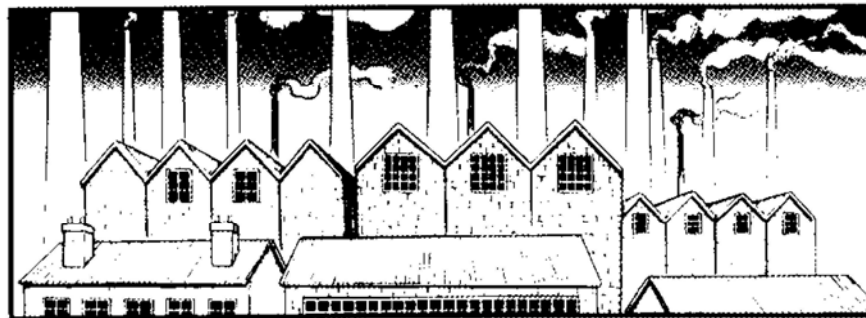
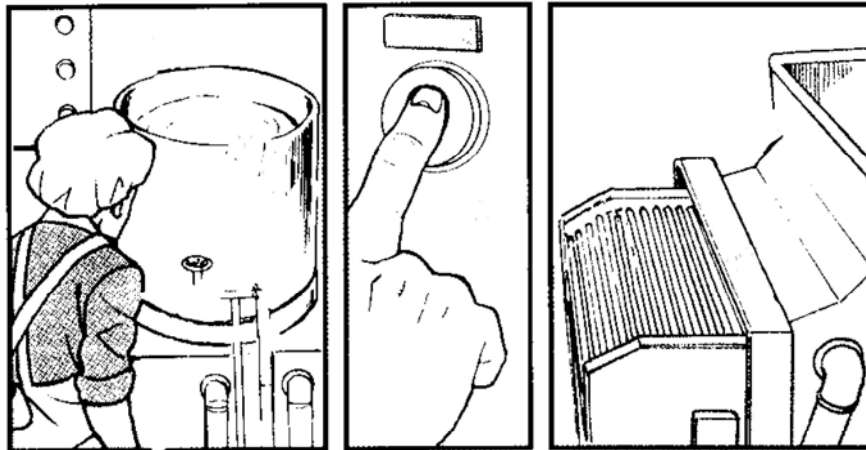
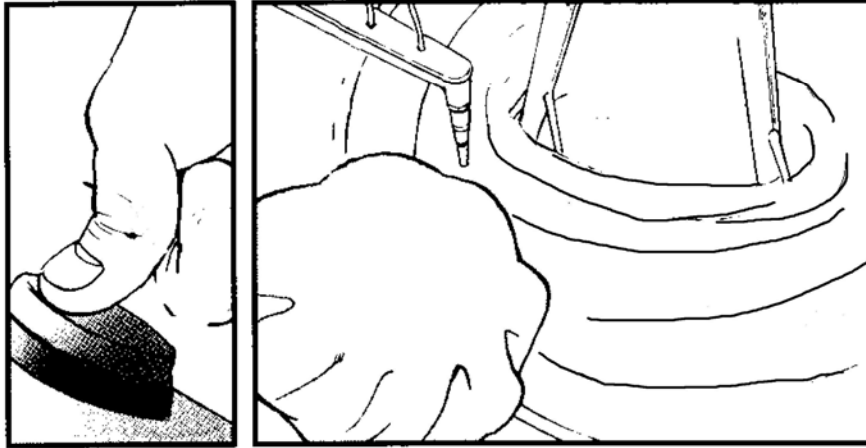


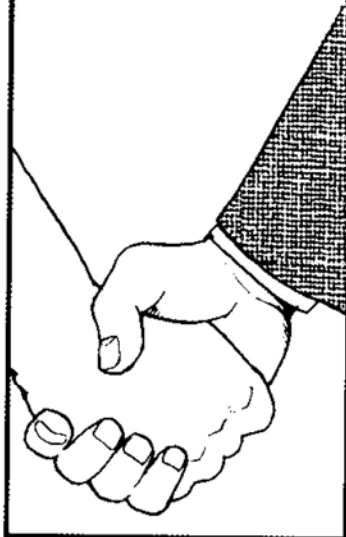
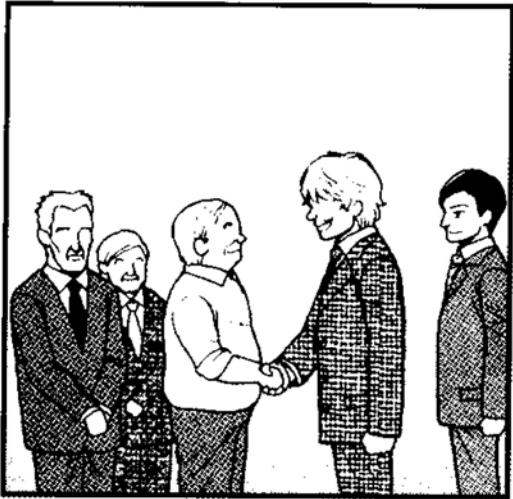








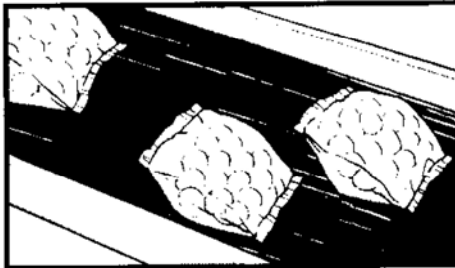
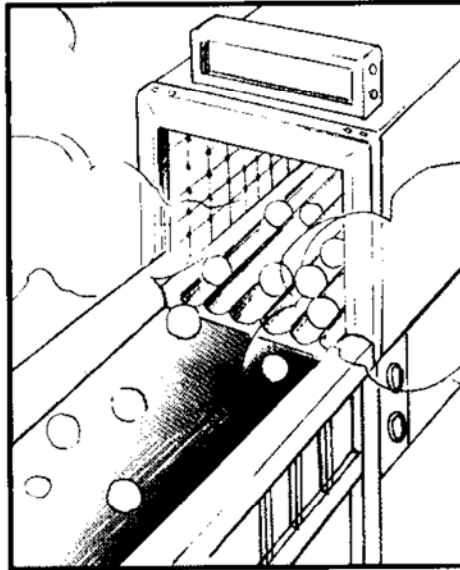




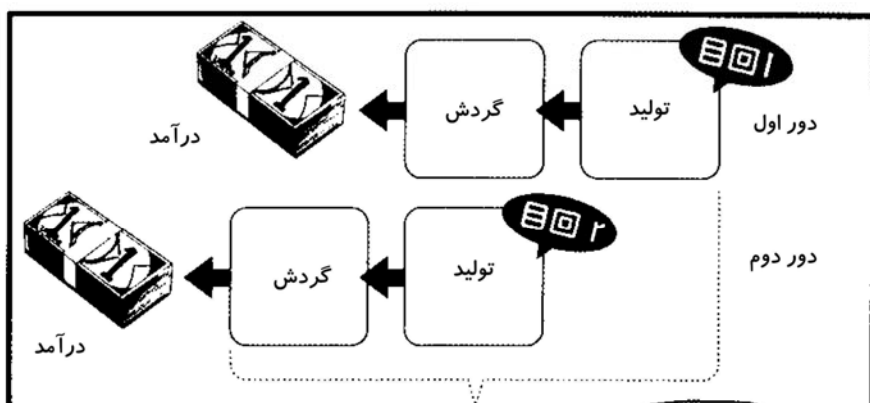
جامعه‌ی سرمایه‌داری
همواره در پی سود است
و بر پایه‌ی رقابت
بنا شده است



تولید انبوه...
افزایش سود...
رشد سرمایه...
همواره
تکرار می‌شود

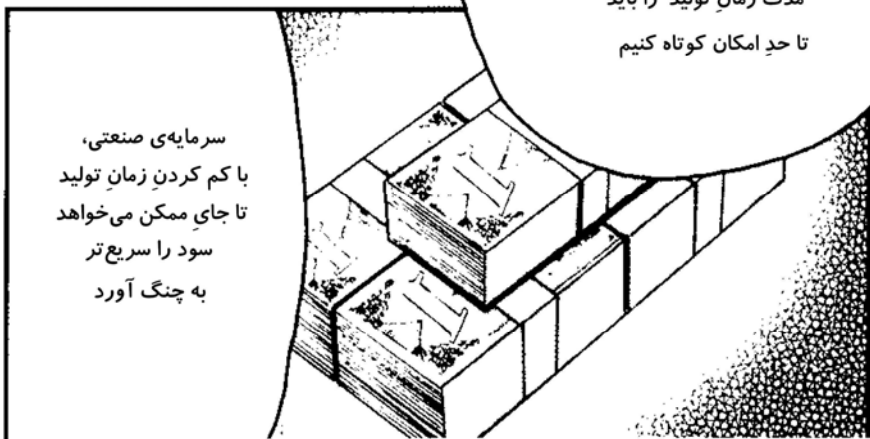






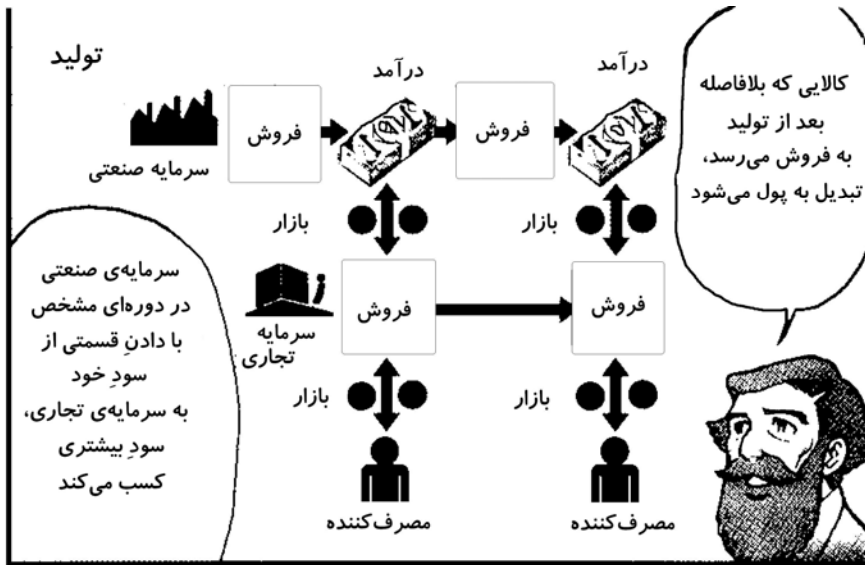
تأمرحله‌ی فروش کالا، جدای از هزینه‌ی تولید، هزینه‌های زیادی نیز در امر گردش کالا (ثبت، انبار، حمل و نقل) مورد نیاز است

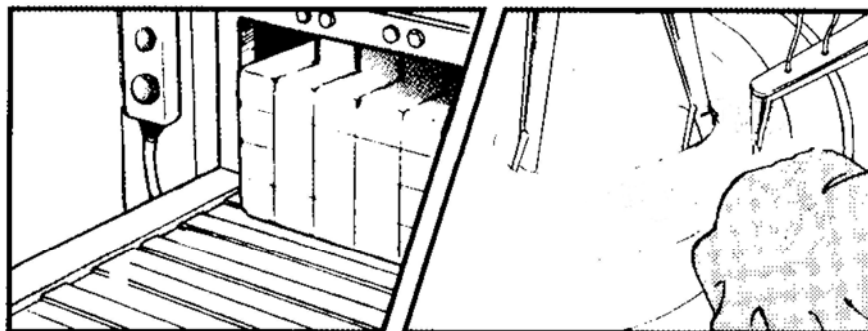
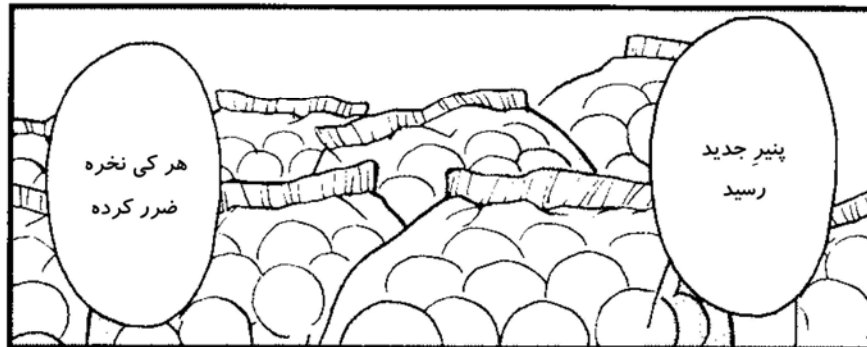
هر اندازه گردش سرمایه سرعت بیشتری داشته باشد، در مدت زمان معینی، میزان سودی که به دست می‌آوریم افزایش می‌یابد. مدت زمان تولید را باید تا حد امکان کوتاه کنیم

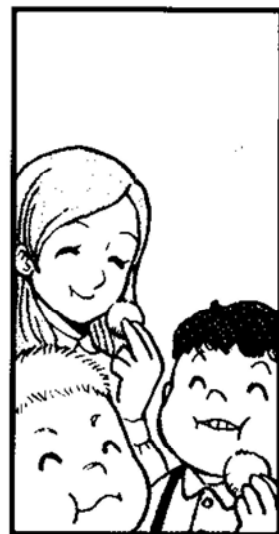
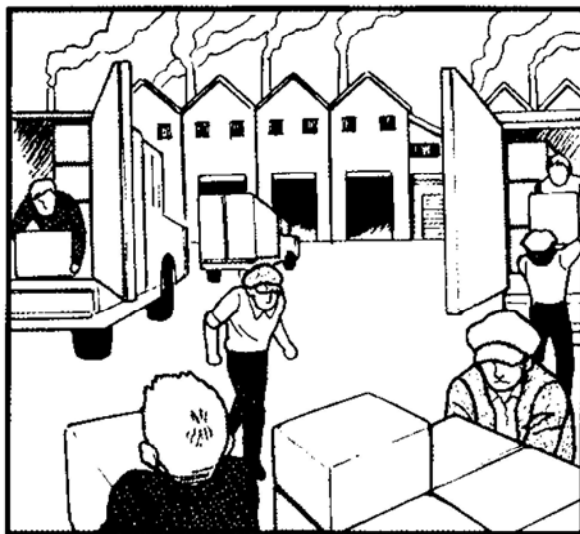




اعتبار تجاری: رابطه‌ی تجاری که بر اساس قدرت بازپرداخت از سوی خریدار و فروشنده تعریف می‌شود.
 سرمایه‌ی ریایی: سرمایه‌ای است که با هدف کسب‌پول به دیگران به شکل پدیده‌ی پرداخت می‌شود.

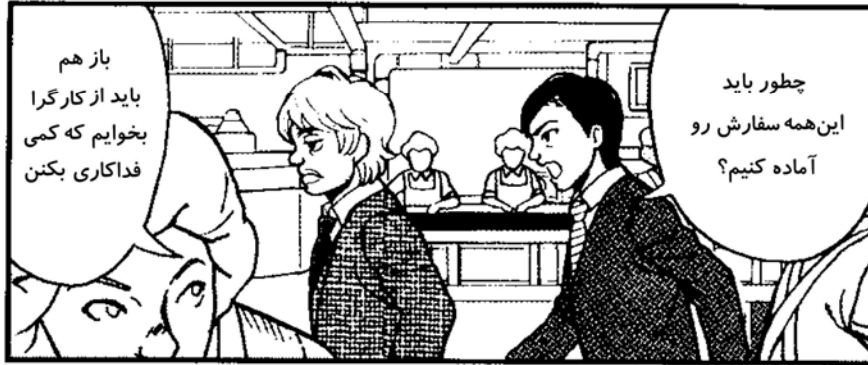




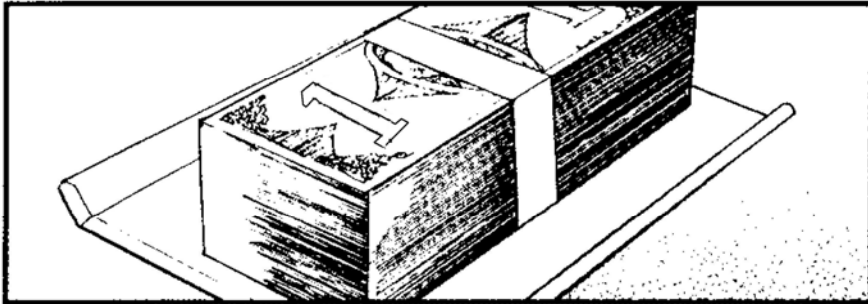
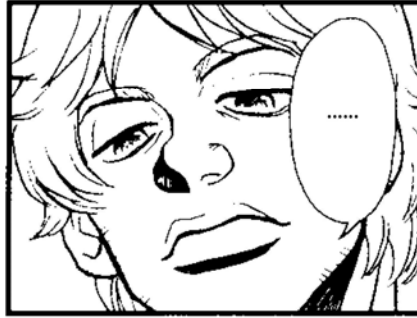


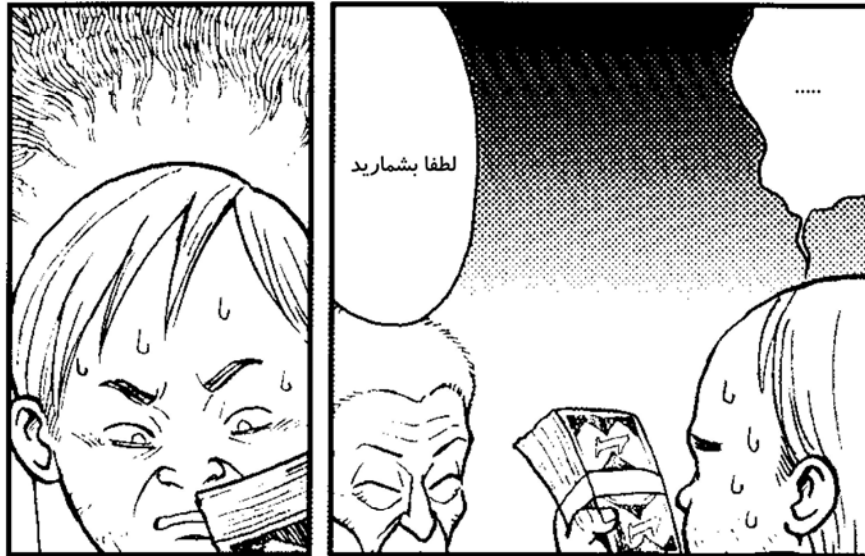


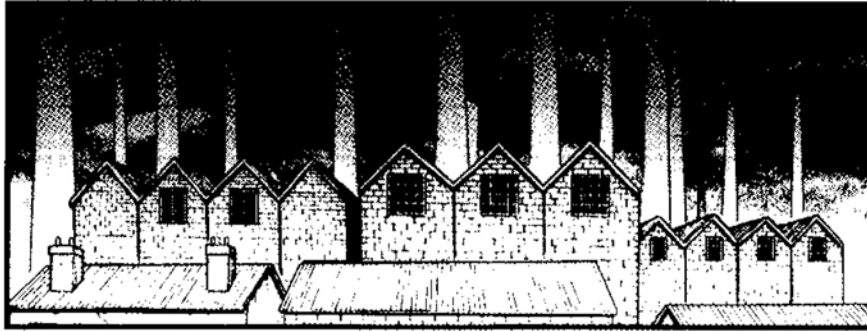












وقتی
واحدی صنعتی یا اقتصادی
به دنبال کسب
سود بیشتر است

واحدهای دیگری که
با آن در ارتباط هستند
نیز تحت تأثیر
قرار می‌گیرند



شرکت A

سفارش

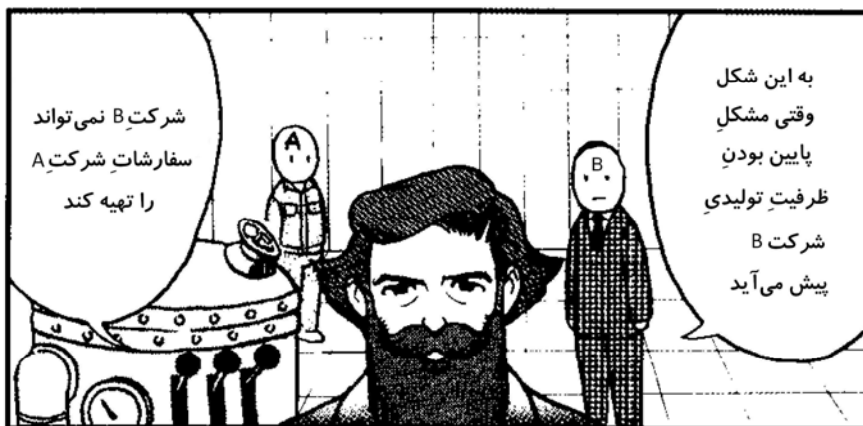
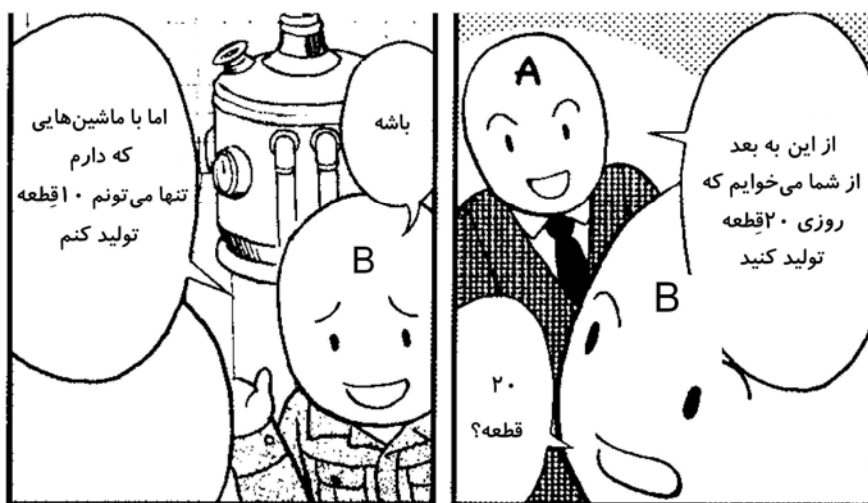
شرکت B

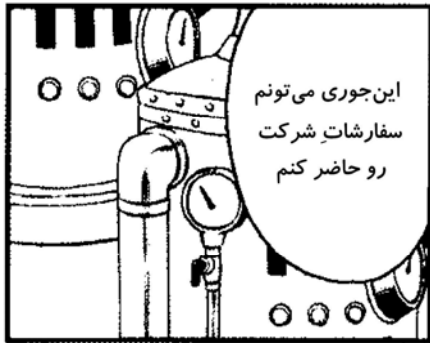
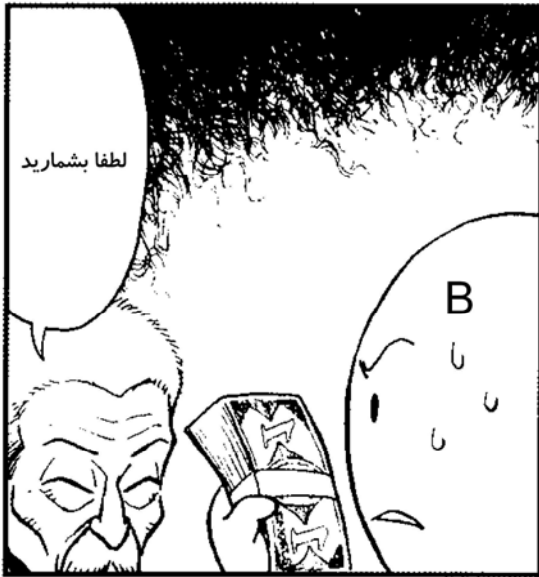
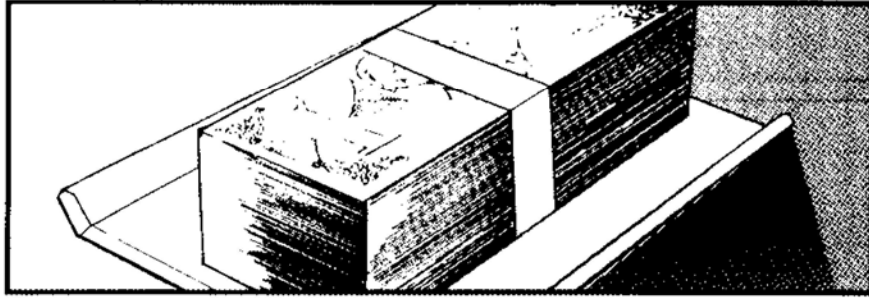
بیائید وضعیتی را فرض بگیریم
که شرکت A
تعدادی ابزار تولید
به شرکت B
که سازندهی ابزار تولید است،
سفارش می‌دهد

به دلیل پایین بودن
ظرفیت "ابزار تولید"
شرکت B نمی‌تواند
سفارشات شرکت A
را قبول کند

رابطه‌ی دانیل و رویین
با رئیس نمایشگاه
نمونه‌ی خوبی است

ابزار تولید: ابزاری که برای تولید کالای مصرفی مورد نیاز است.







به این شکل
شرکت B
نیز مجبور است
توسعه یابد



ماشین فروشی

شرکت B برای
ساخت ابزارآلاتی
که برای شرکت A
تولید می کند

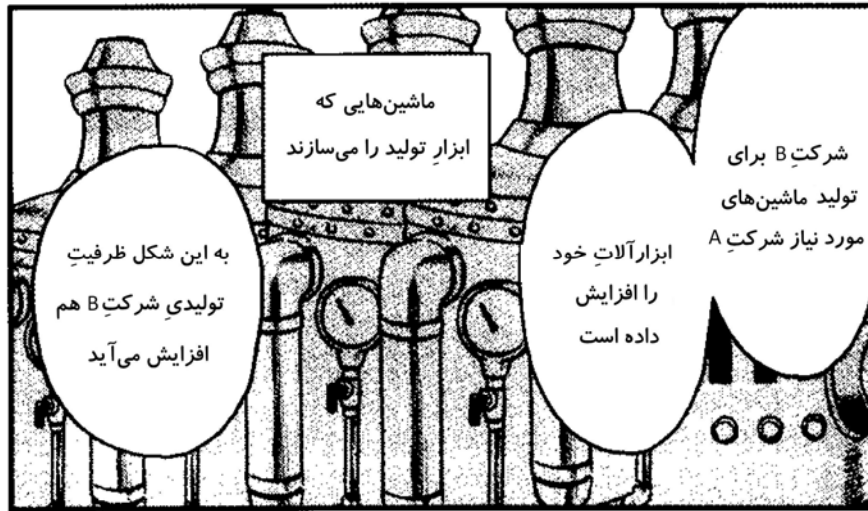
ماشین هایی که
"ابزار تولید"
می سازد را باید در
اختیار داشته باشد

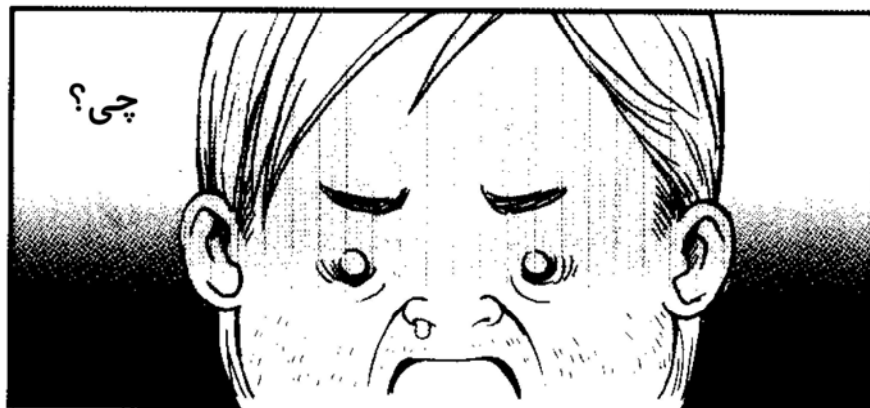
ماشینی که ابزار تولید
می سازد



اما، پشت پرده ی
توسعه شرکت B
نکته ی مهمی
وجود دارد









حجم کار
شرکت B
پایین می آید

ماشین های سازنده
ابزار تولید برای شرکت A
بی مصرف می شوند



با سقوط حجم کار
مزد کارگران هم
سقوط می کند

کارگر

کارگر

کارگر

کارگر

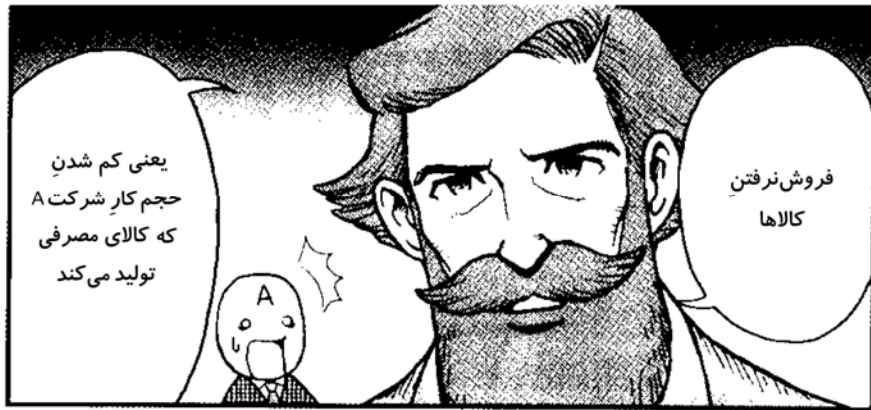


خیلی گرسنه ام ...
اما باید صبر کنم ...

کارگرانی که
مزدشان کم شده،
صرفه جویی را
آغاز می کنند

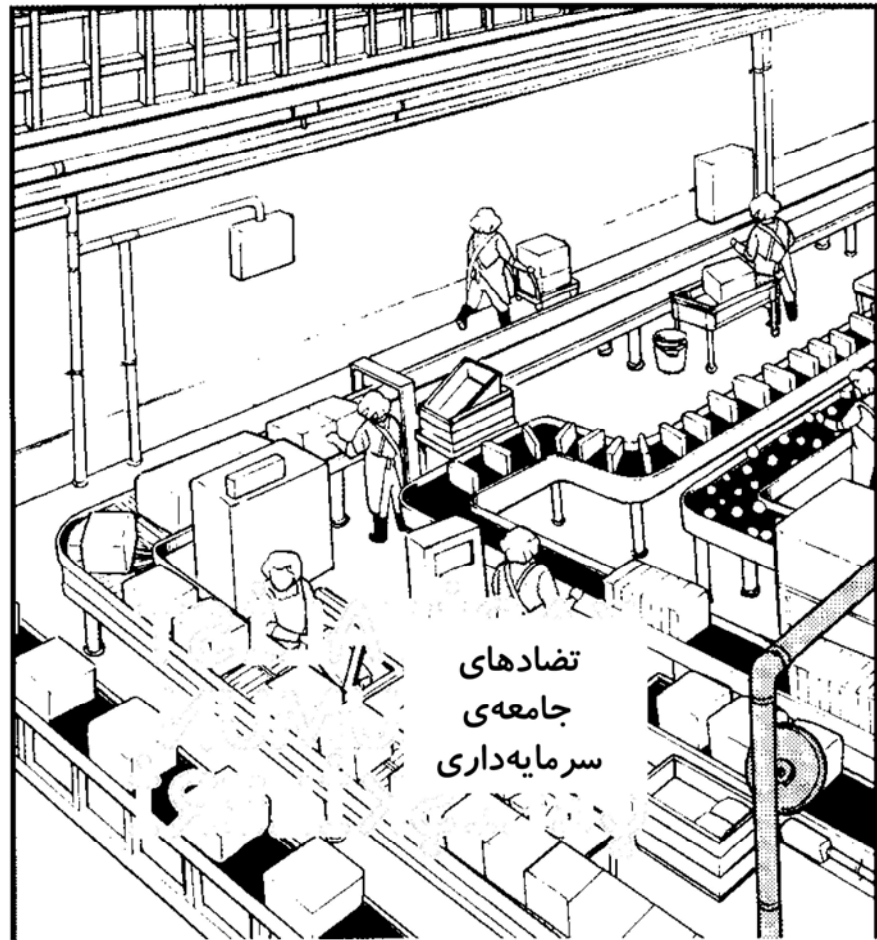
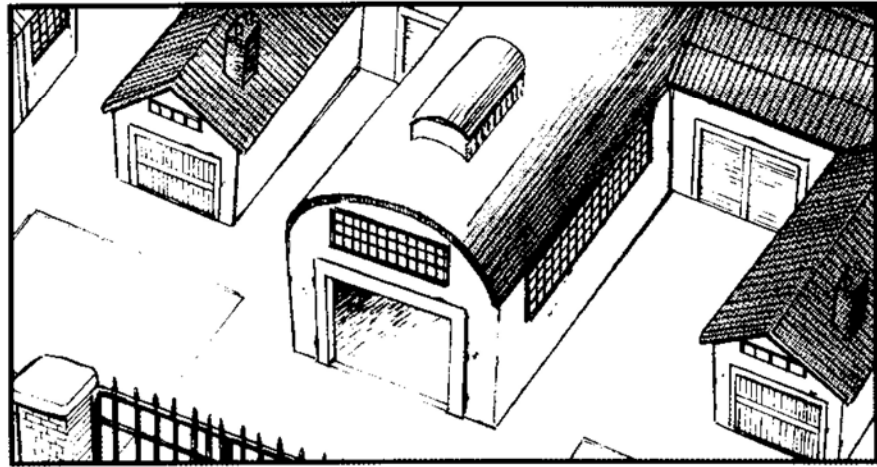


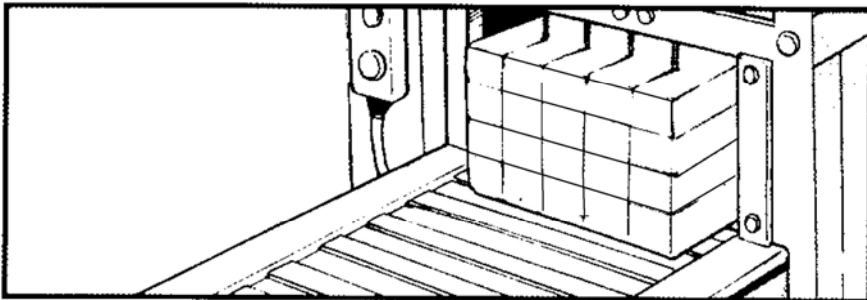
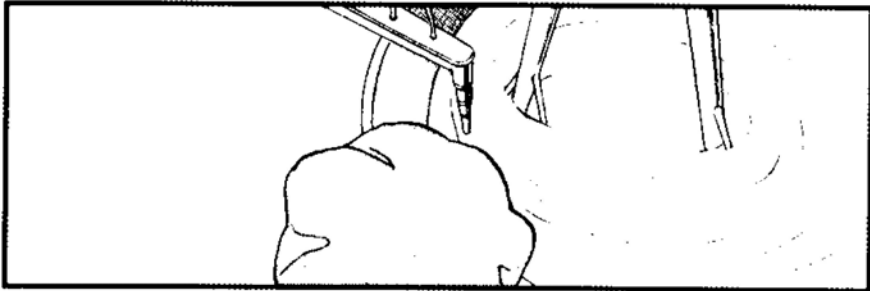
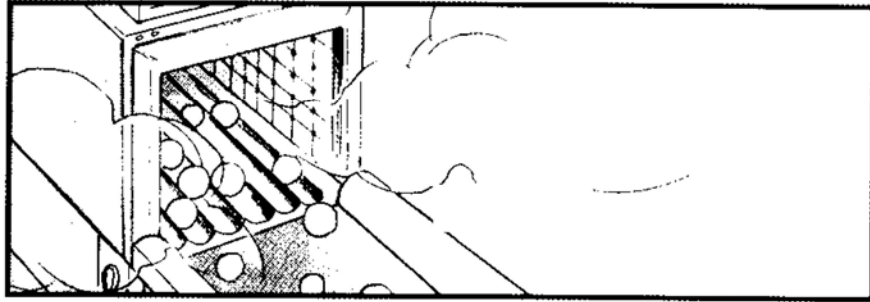
در چنین وضعی، فروش در فروشگاهها
و نمایشگاهها نیز پایین می آید

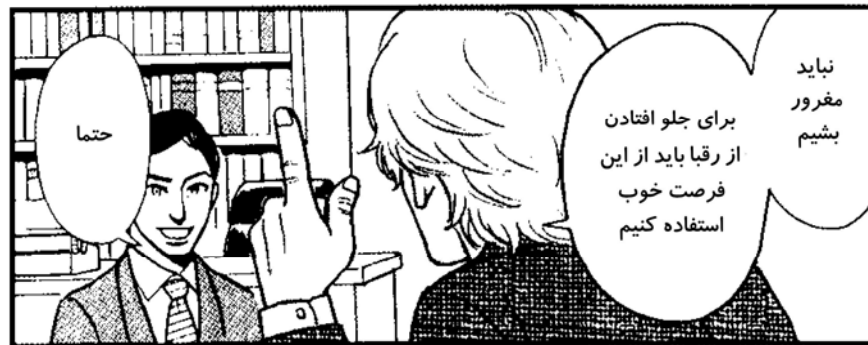




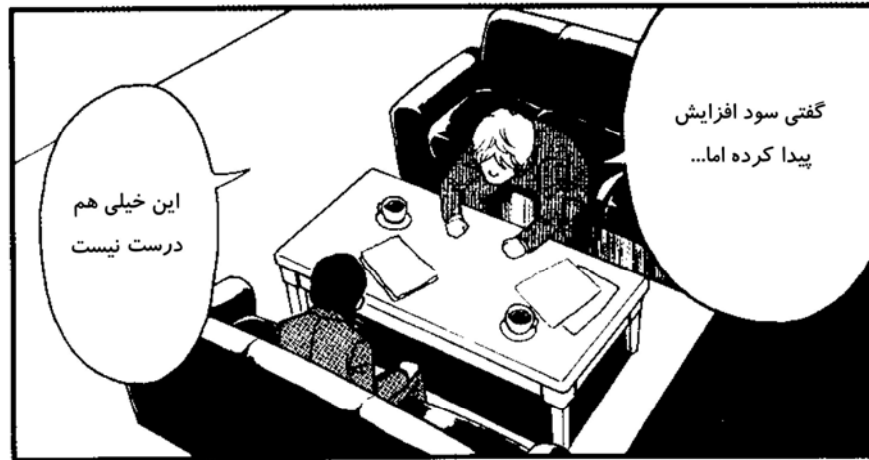














دام هم دقیقا
همان جا
پنهان شده

تو باید خوب بدونی
که ما سرمایه دارها
از کجا سود را
به دست می آوریم،
مگه نه؟



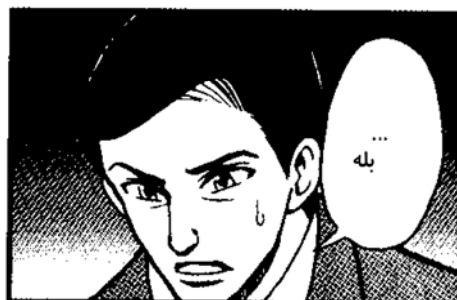
شرکت های تولیدی
مواد اولیه
و ابزارآلات

سود تولید نمی کنند



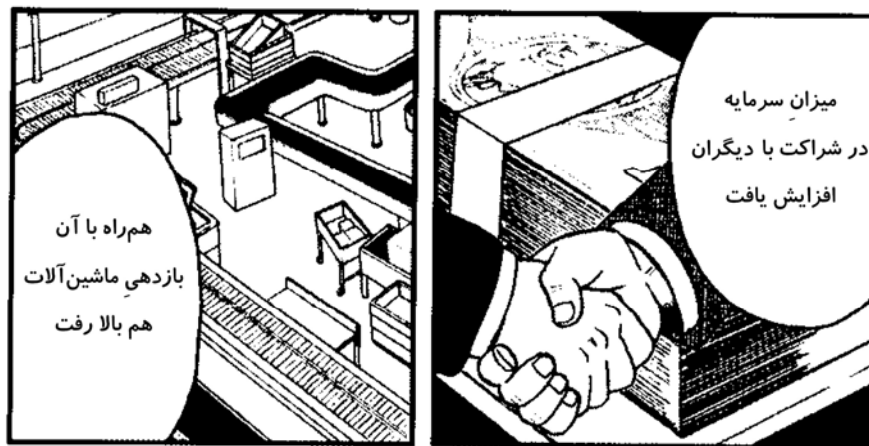
ارزش اضافی

بله ارزش اضافی،
ما به کمک نیروی کار
سود کسب می کنیم

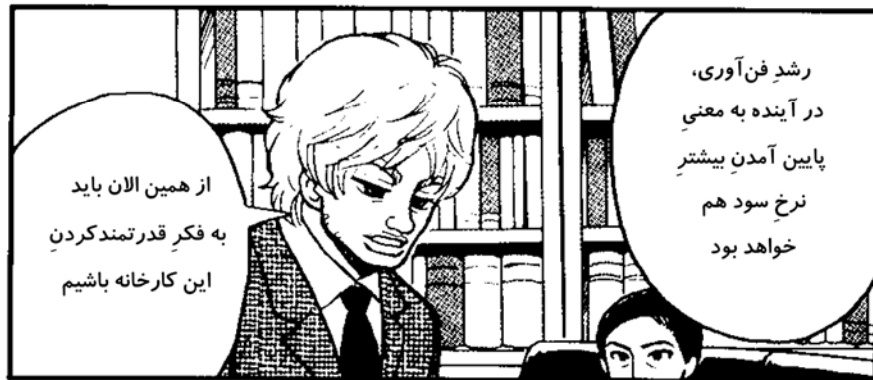


...
بله









از همین الان باید
به فکر قدرتمند کردن
این کارخانه باشیم

رشد فن آوری،
در آینده به معنی
پایین آمدن بیشتر
نرخ سود هم
خواهد بود



باید امکان
افزایش مُزد کارگرها
را داشته باشیم

ببخشید که
مدام تکرار می کنم
اما مگه میزان سود ما
بالا نرفت؟



حالا من یک سوال
از تو می پرسم.
چرا باید مُزد کارگران
را زیاد کنیم؟

چرا
متوجه نیستی؟







و این نیز
به نوبه‌ی خود
سرمایه‌ی مرحله‌ی
بعدی تولید را
کاهش خواهد داد

این به معنی
پایین آمدن سود
خواهد بود



روبین
دیگه نمی‌تونیم
عقب‌نشینی بکنیم

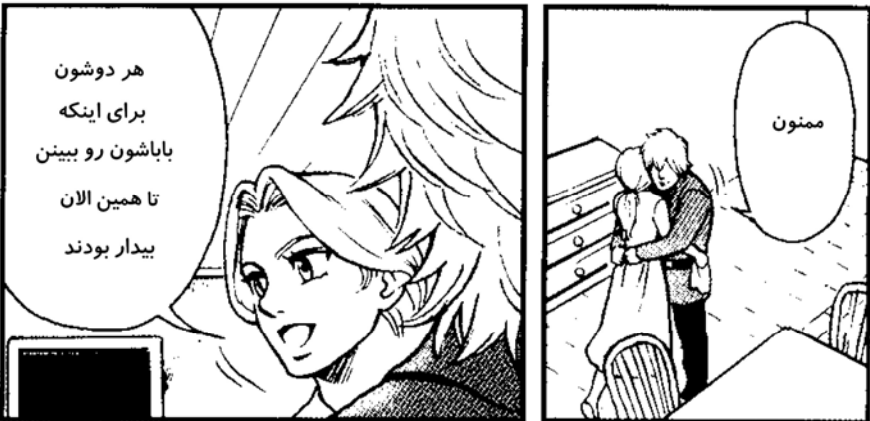
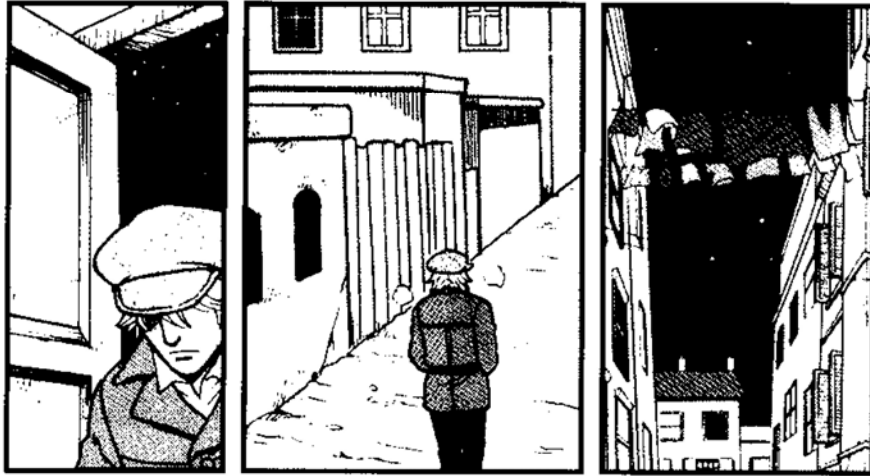
ما مجبوریم همواره
با رشد نرخ سود
و افزایش
سرمایه‌ی اولیه
وارد مرحله‌ی بعدی
تولید بشویم



اگه به این شکل
پیش نریم،
امواج
سیستم سرمایه‌داری
ما را خواهد بلعید

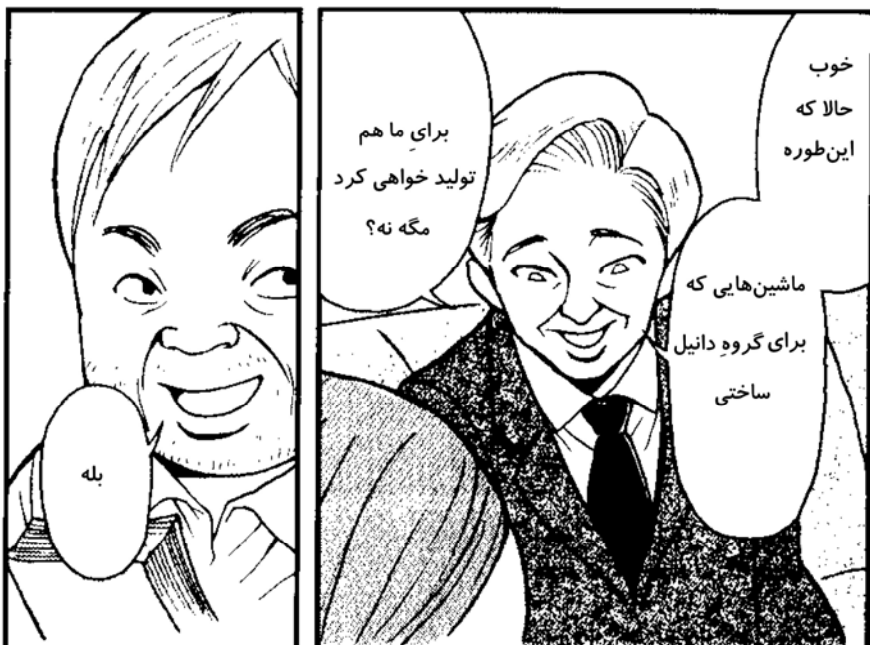
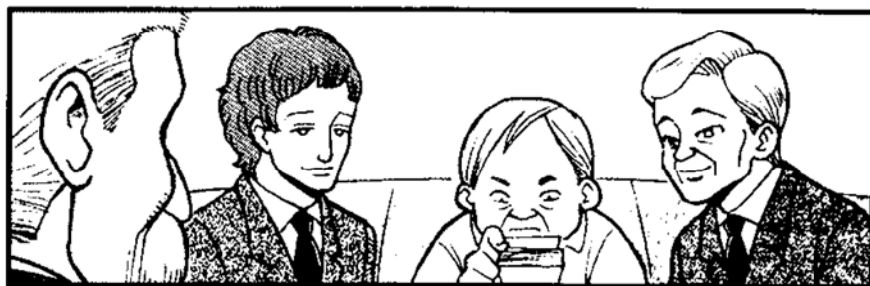


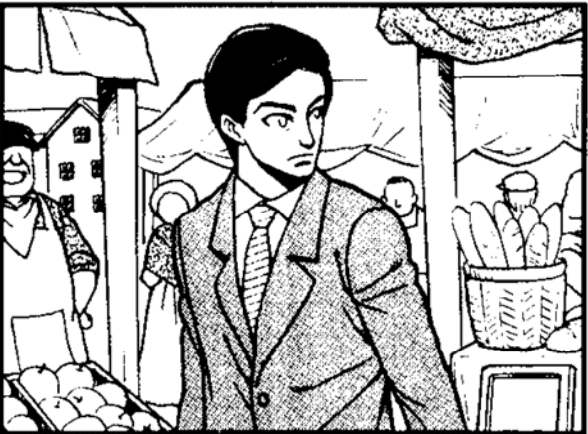
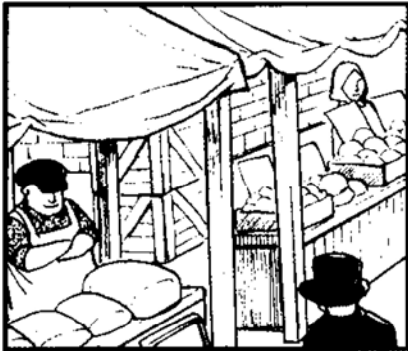


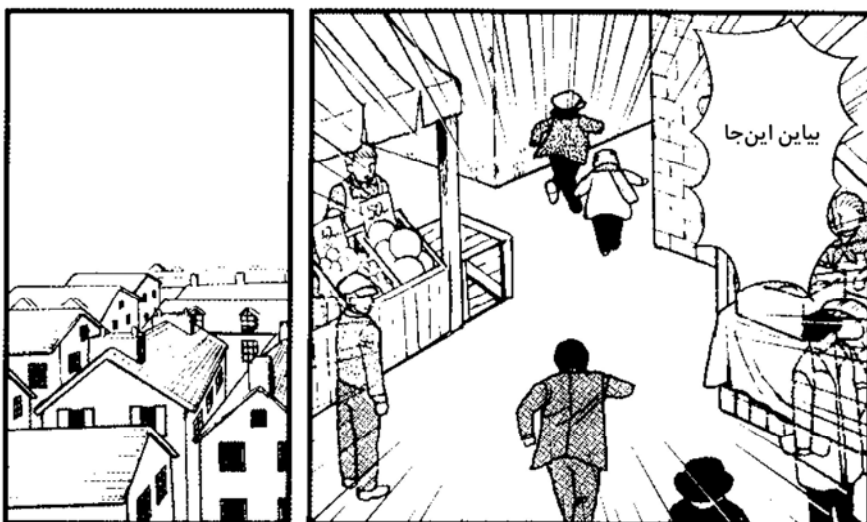
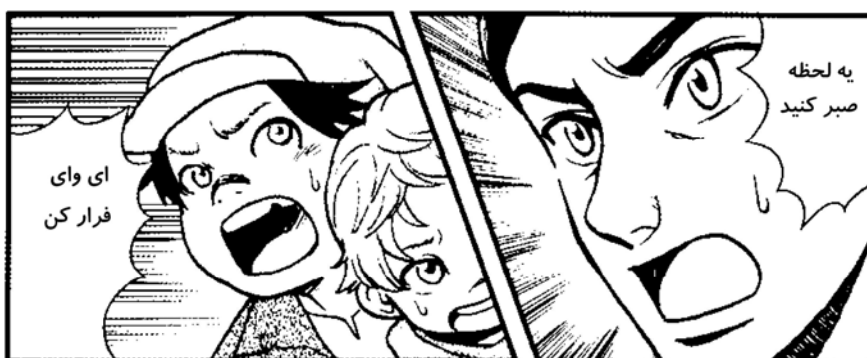
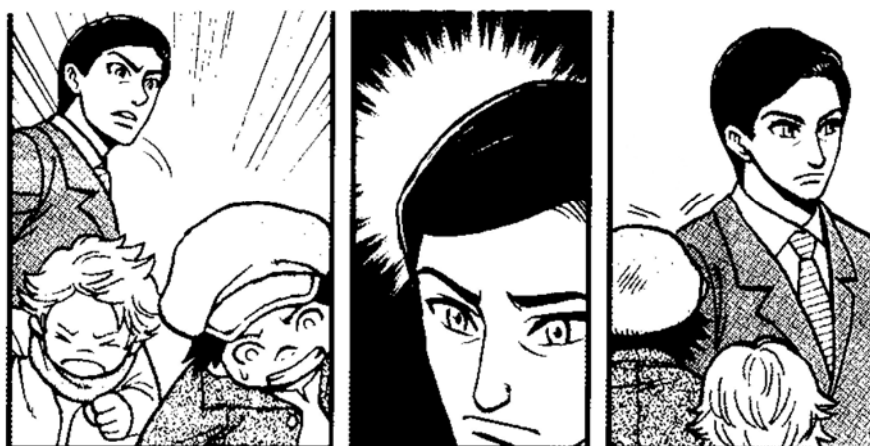


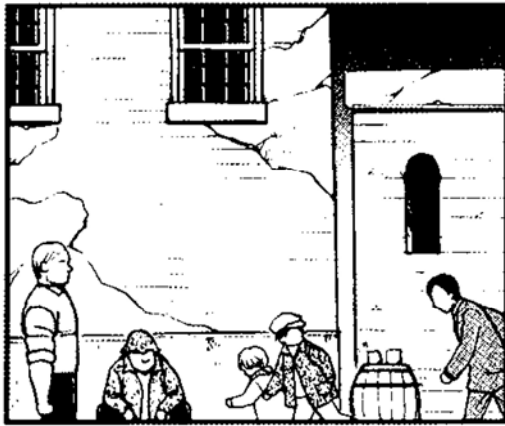












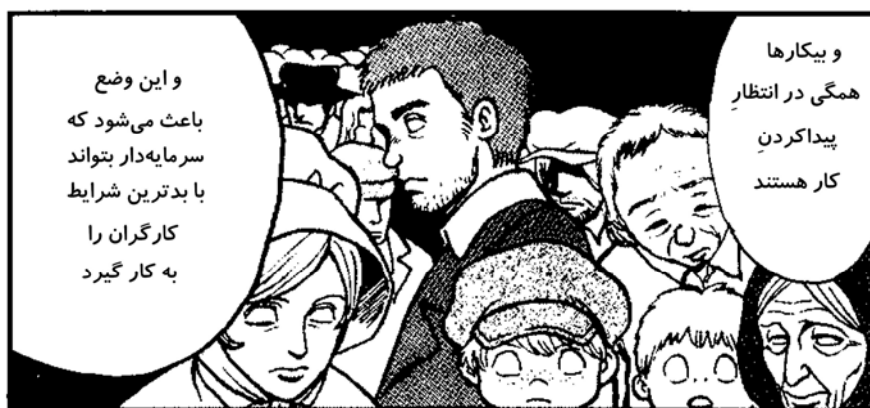






به معنی
زیاد شدن
بی کاران است

ماشینیزه شدن
و بالا رفتن حجم
کاری که ماشین‌ها
انجام می‌دهند



و این وضع
باعث می‌شود که
سرمایه‌دار بتواند
با بدترین شرایط
کارگران را
به کار گیرد

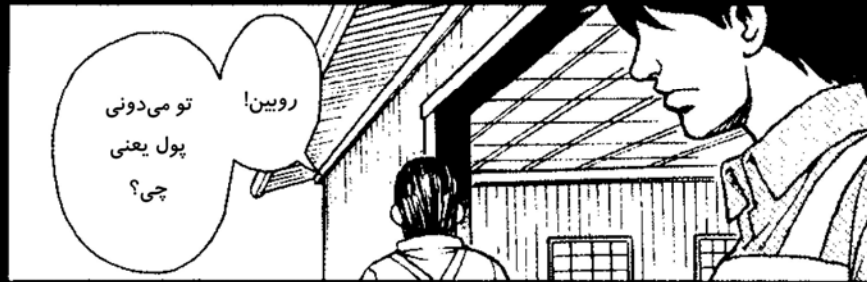
و بیکارها
همگی در انتظار
پیدا کردن
کار هستند

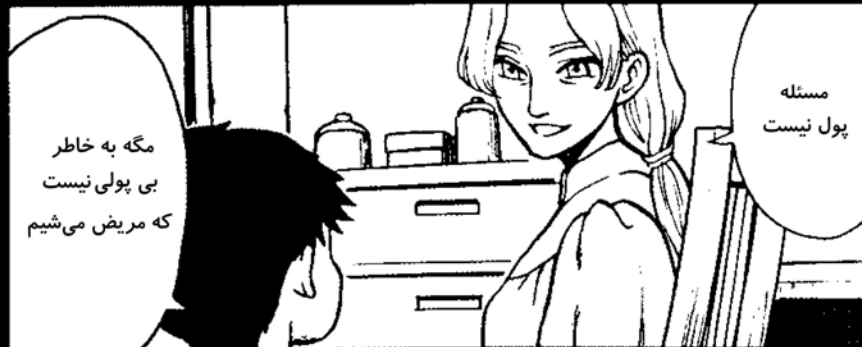


"اضافه جمعیت نسبی"
یا
"ارتش ذخیره‌ی کار"
می‌گویند

یعنی به
اضافه‌ی نیروی کار

به جمعیت بیکارانی
که می‌توانند
به راحتی
جای نیروی کار موجود
را بگیرند





مسئله
پول نیست

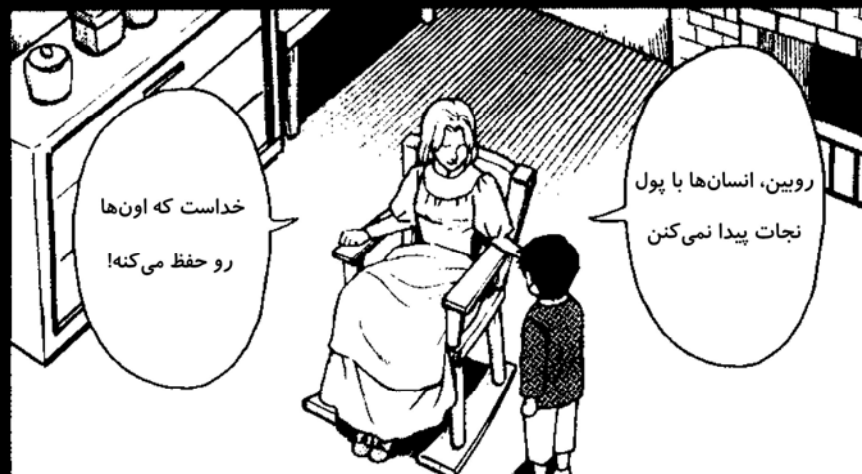
مگه به خاطر
بی پولی نیست
که مریض می شیم



پس برای
تو هم اتفاقی
نمی افته؟!؟

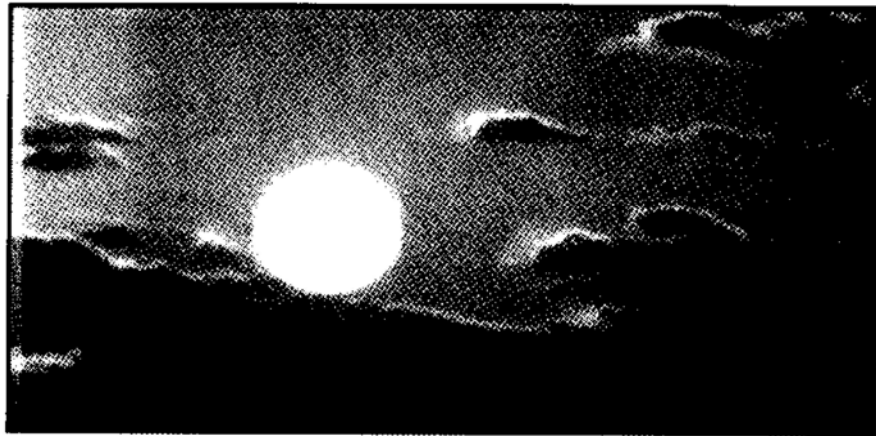


به پول
ربطی نداره

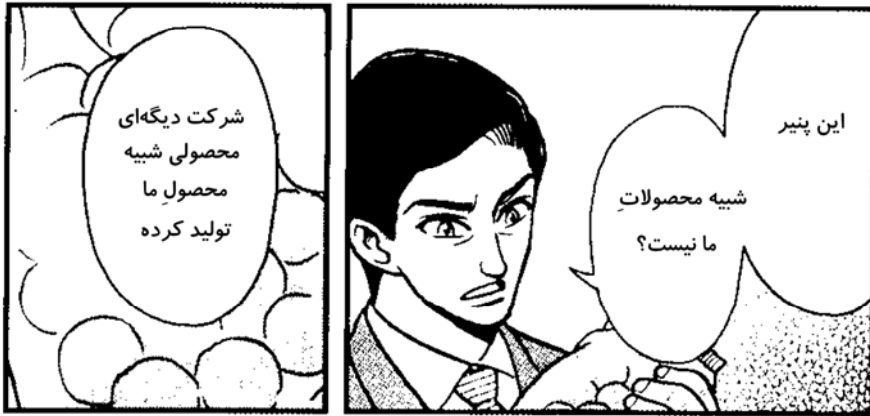
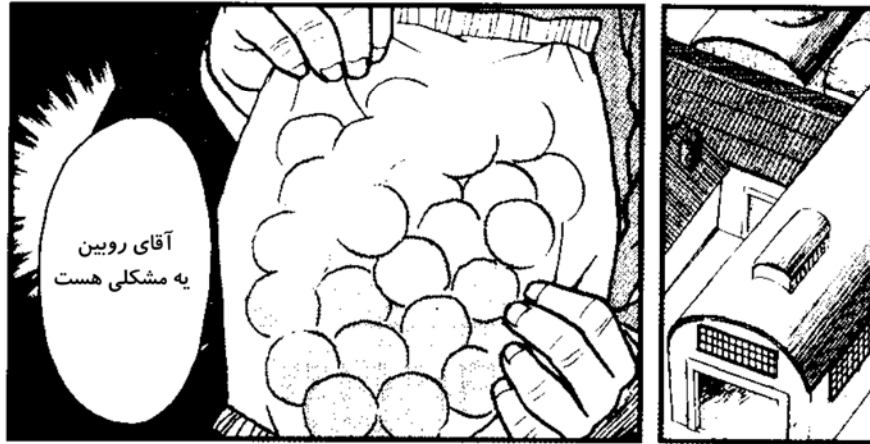


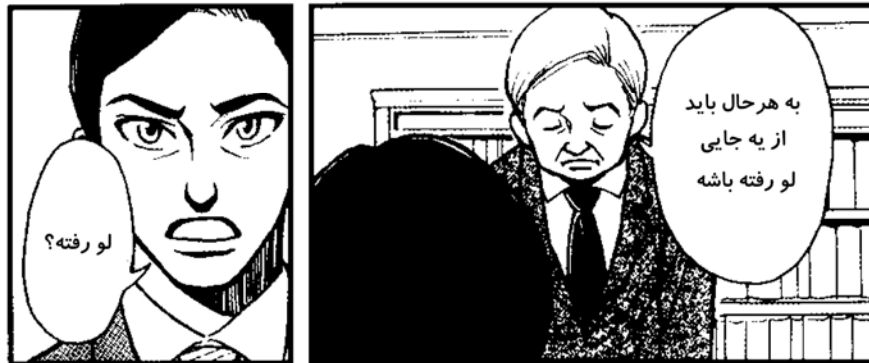
روبین، انسانها با پول
نجات پیدا نمی کنن

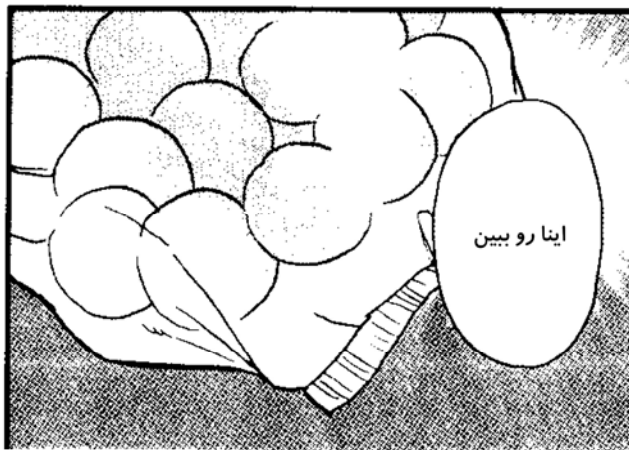
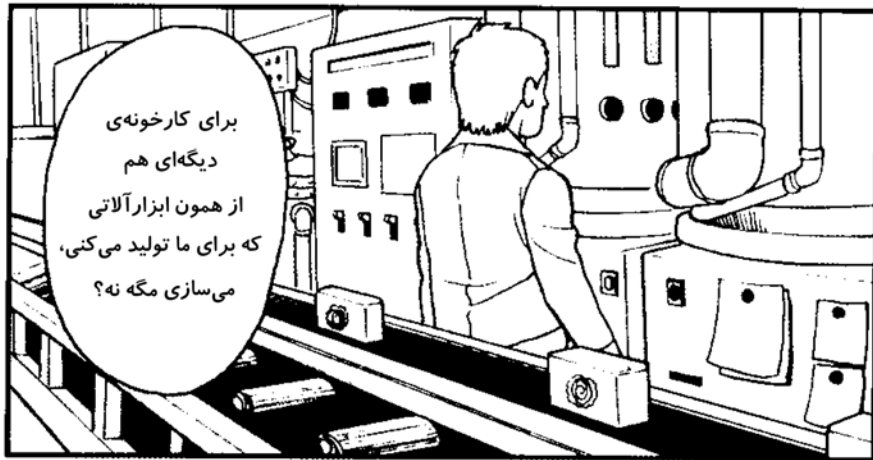
خداست که اونها
رو حفظ می کنه!













با تکنولوژی ما
دارن
کار می کنن

محصول جدید
شرکت رقیب



به
دیگران؟

تولیدات خودم رو
می فروشم،
چه اشکالی داره؟



یعنی تو
اسرار فنی ما رو
به دیگرن فروختی



می‌گی اسرارِ فنی اما
این محصول
که ثبت نشده



من به هر دوی شما
مدیون‌ام

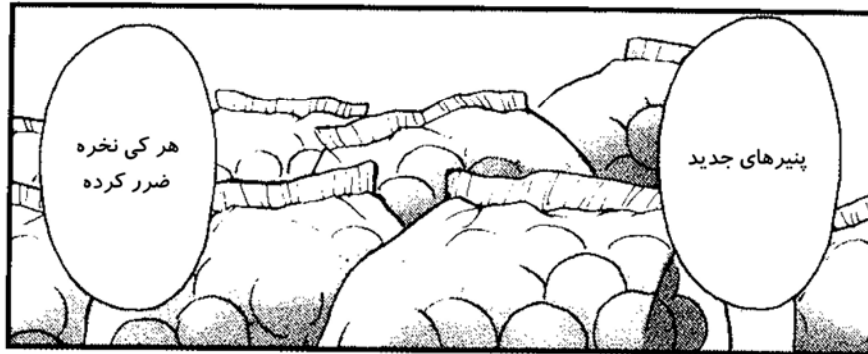
بخشید
از دهنم در رفت



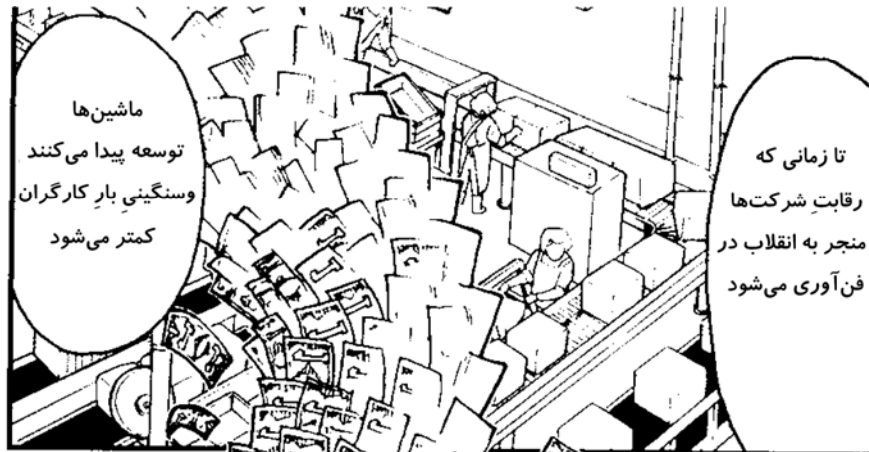
ظرفیت تولید خودمون
را بالا بردیم
اگه از اون استفاده نکنیم
ضرر می‌کنیم

اما ما هم...









ماشین‌ها
توسعه پیدا می‌کنند
وسنگینی بارِ کارگران
کمتر می‌شود

تا زمانی که
رقابتِ شرکت‌ها
منجر به انقلاب در
فن‌آوری می‌شود



و سودِ
سرمایه‌داران
افزایش می‌یابد

به این شکل
هزینه‌ی
نیروی کار هم
پایین می‌آید



و این فرآیند
دائماً تکرار می‌شود

این سود برای
تولید در مراحل بعدی
و پیش‌رفت‌های جدید
در فن‌آوری
مورد استفاده
قرار می‌گیرد



به این شکل
نرخ سود هم
دائما کاهش می یابد



شرکت ها
گمان می کنند
دارند رشد می کنند
اما

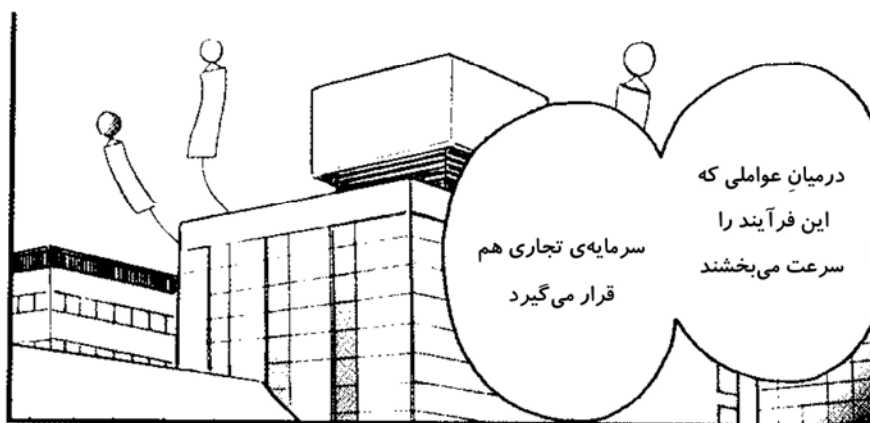
سهم "نیروی کار"
که سرچشمه ی
"ارزش اضافی" است
دائما در سرمایه
کاهش می یابد

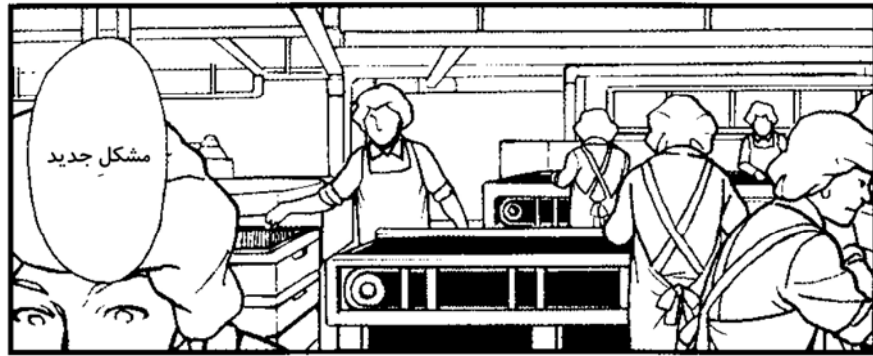
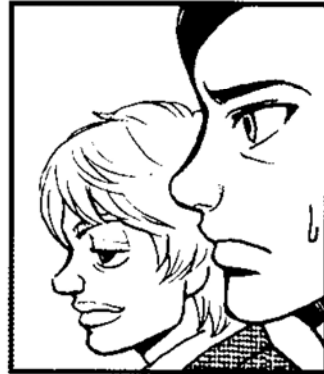


تضاد اجتناب ناپذیر
سیستمی است که
به دنبال سود است

در طولانی مدت
به همین نتیجه
ختم می شود
و این...

مشارکت هایی که
برای بالابردن
نرخ سود
انجام می شود







باشه
تنها تاکتیکِ مون
حمله‌س
اما...

سفارش‌ها
پایین می‌آد و
این هم

باعث کم شدن
تولید می‌شه



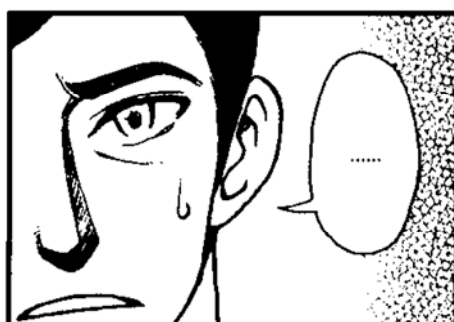
نیروی کار اضافی
بیش از اندازه
خواهیم داشت

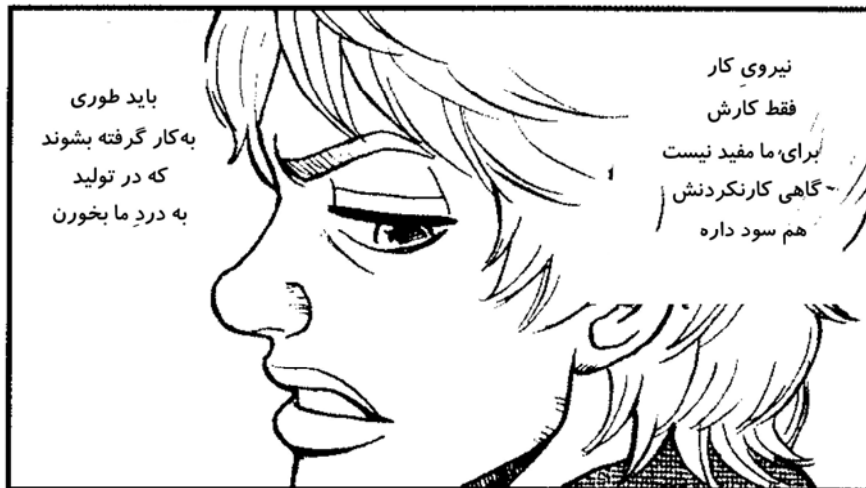
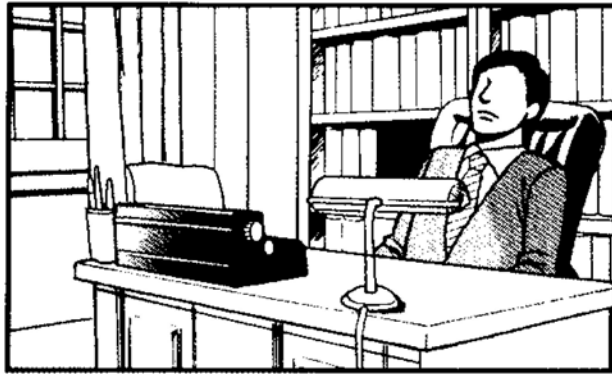
اضافه‌ها رو
بیرون می‌کنیم



نیروی کار
فقط کارش
برای ما مفید نیست
گاهی کار نکردنش
هم سود داره

و باید طوری
به کار گرفته بشوند
که در تولید
به درد ما بخورن



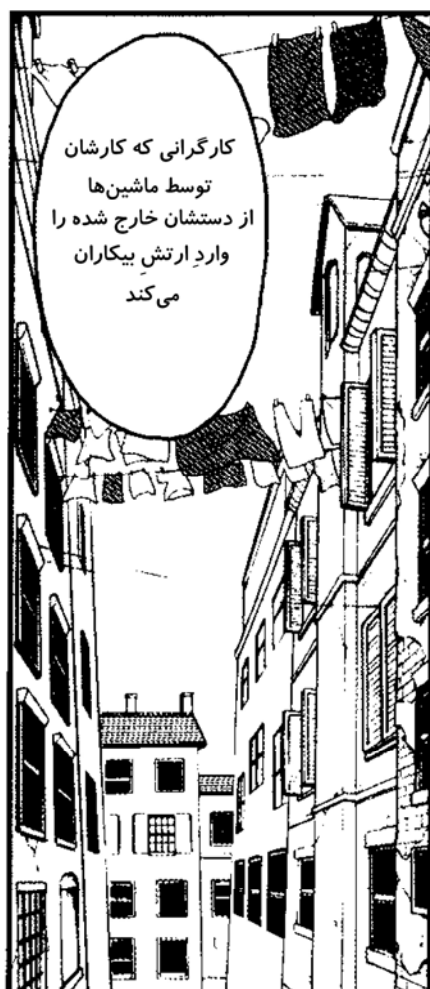






مسابقه‌ی کسب سود
ادامه پیدا می‌کند

به هر حال
بین شرکت‌ها



کارگرانی که کارشان
توسط ماشین‌ها
از دستشان خارج شده را
وارد ارتش بیکاران
می‌کند



به شکل متضادی

توسعه‌ی دائم
و سیری ناپذیر
فن‌آوری...





شرکت‌ها همواره
پیشرفت و
پسرفت می‌کنند

شرکت‌هایی که
نمی‌توانند خود را
سرپا نگه دارند،
ورشکسته می‌شوند
و یا با دیگر شرکت‌ها
ترکیب می‌شوند

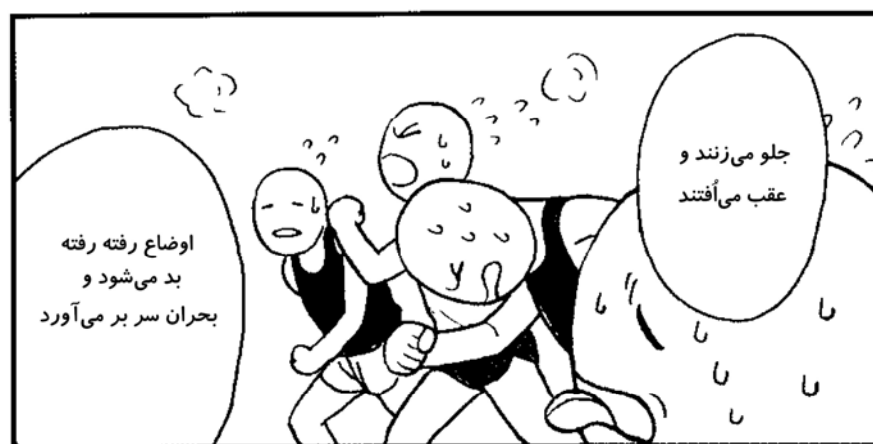
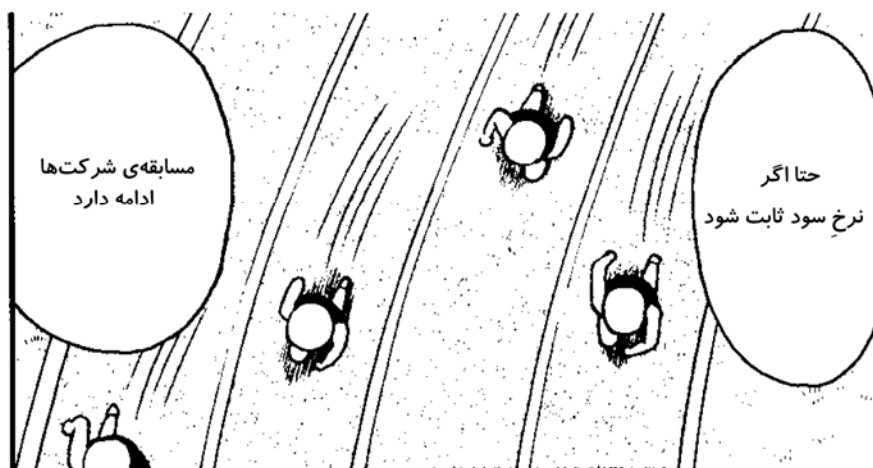


با تکرار این عمل
نرخ سود در آن
واحدهای تولیدی
ثابت می‌ماند

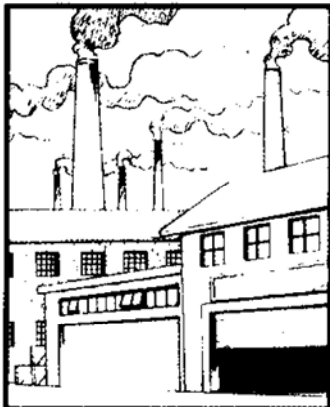


فن‌آوری
هر روز
پیشرفت می‌کند

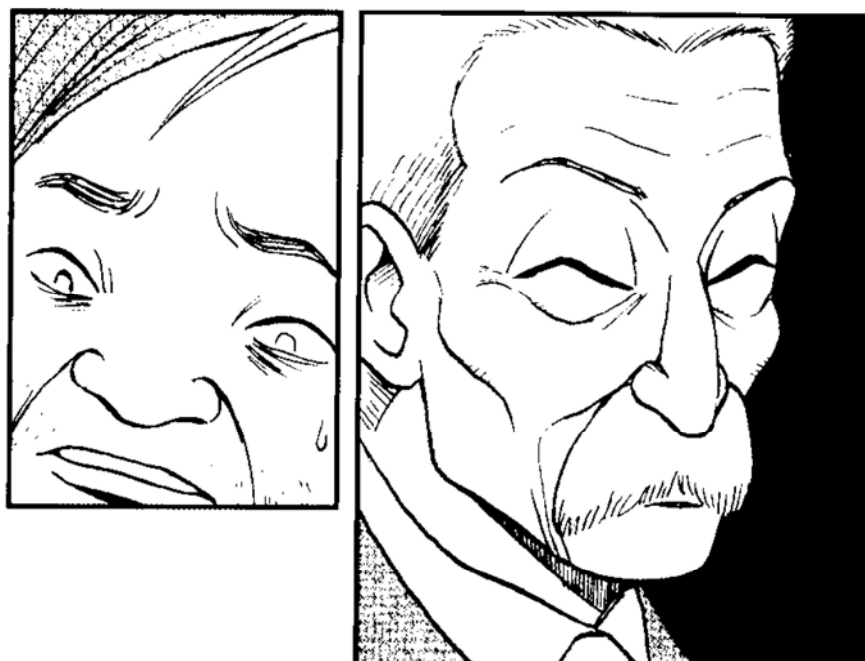
و کالاهای جدید
تولید می‌شود

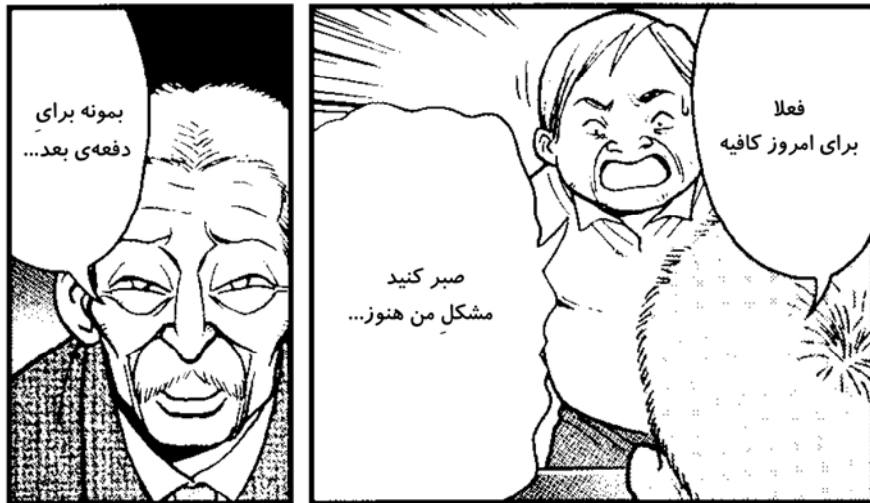










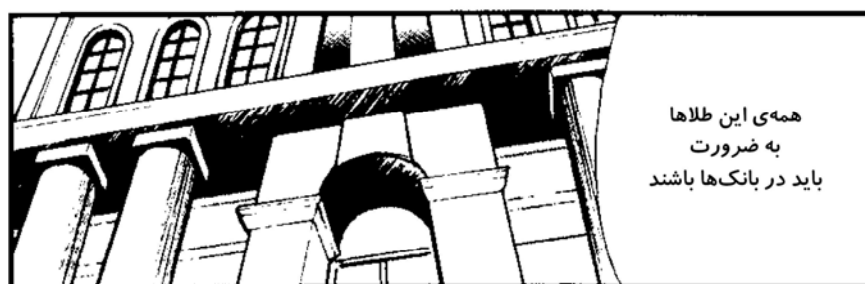


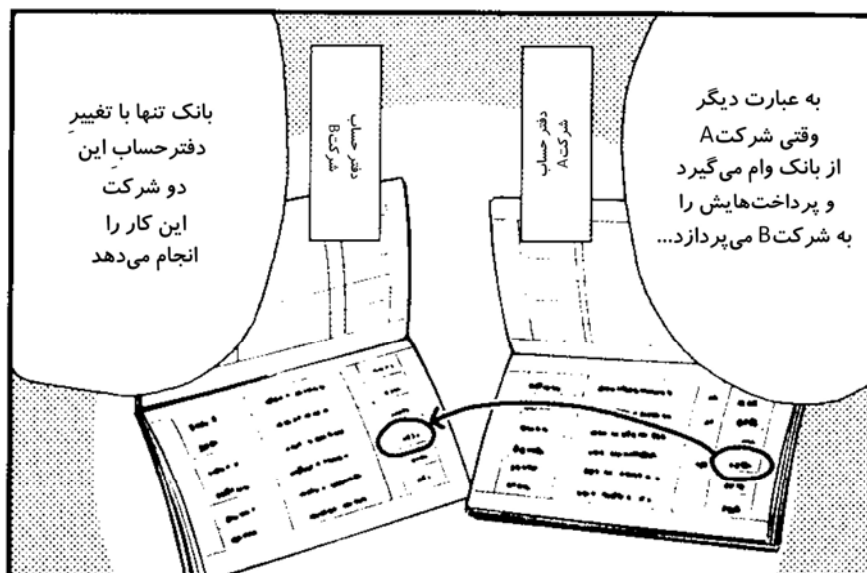


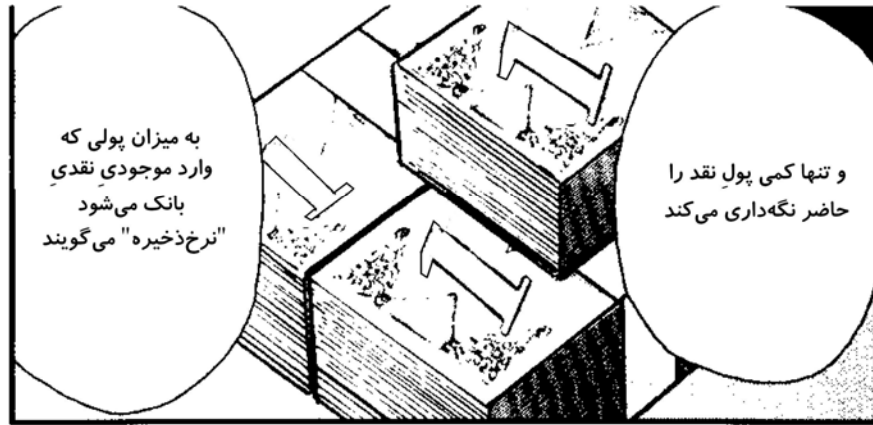














شرکت B با وامی که
از بانک دریافت کرده
بدهی‌های خود را
با شرکت C تسویه می‌کند
و ۹۰۰ پول را به شرکت C
پرداخت می‌کند

شرکت B

۹۰۰ پرداخت
پول

شرکت C هم
کل این مبلغ را
دوباره در بانک
ذخیره می‌کند

شرکت C

۹۰۰ سپرده
پول

موجودی کل بانک

۱۰۰۰ پول

صاحب حساب A

۹۰۰ پول

شرکت C

۱۹۰۰ پول

بانک با عملیات
مالی‌ای که بر روی ۱۰۰۰ پولی که از
شرکت‌ها دریافت کرده بود،
آن را به ۱۹۰۰ پول
افزایش داد



بانک با تکرار این شیوه، همان‌طور که بر شمار طلب‌کاران خود می‌افزاید همچون باد کردن یک بادبادک، میزان پول خود را نیز افزایش می‌دهد

و این را تولید "سرمایه‌ی موهوم" یا "سرمایه‌ی مجازی" می‌نامند

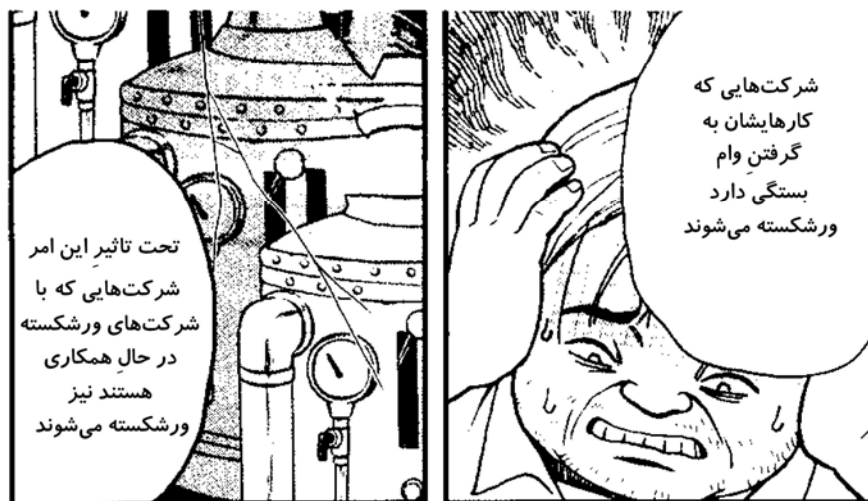
بعد با ۹۰۰ پولی که شرکت C در حساب ذخیره کرده، بانک به شرکت D وام ۸۱۰ پولی پرداخت می‌کند

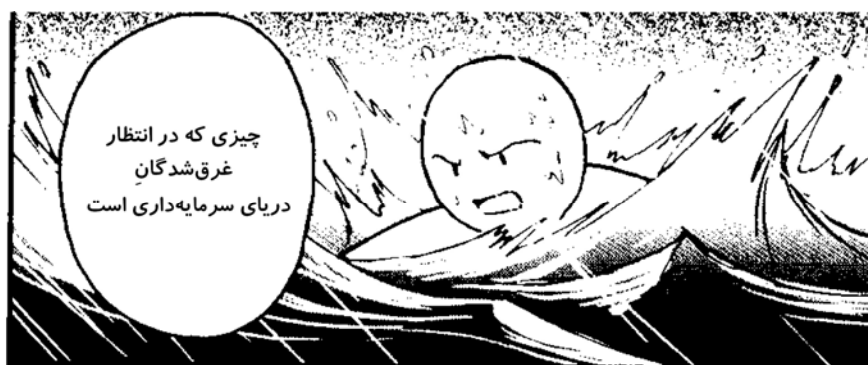


اما اگر روزی شرکت B که باید قسط‌هایش را به بانک پرداخت کند به دلیل اوضاع بد نتواند این کار را انجام دهد چه اتفاقی خواهد افتاد؟

اما یک روز...









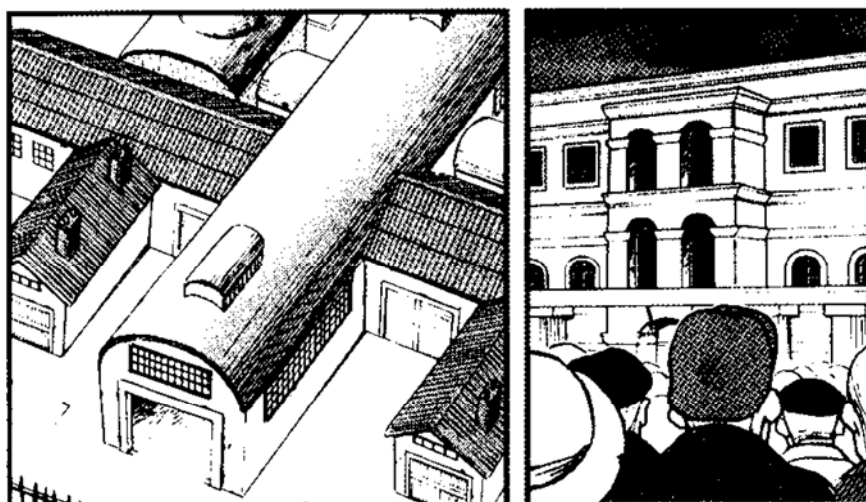
با بزرگ شدن سرمایه
و از بین رفتن
تعادل اقتصادی

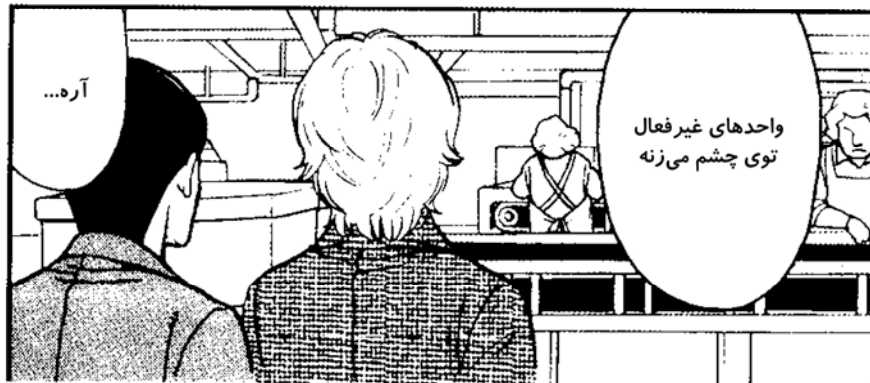
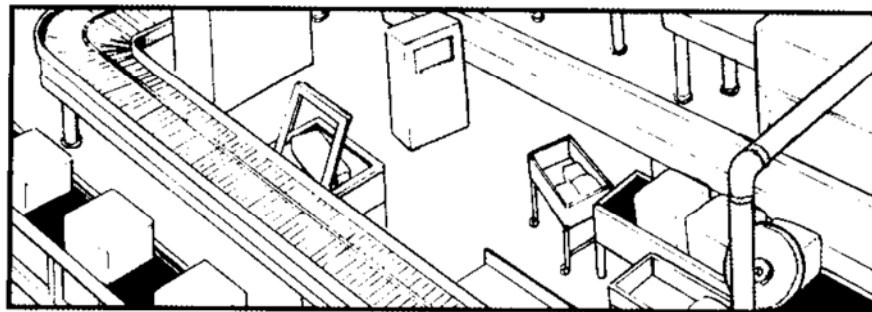
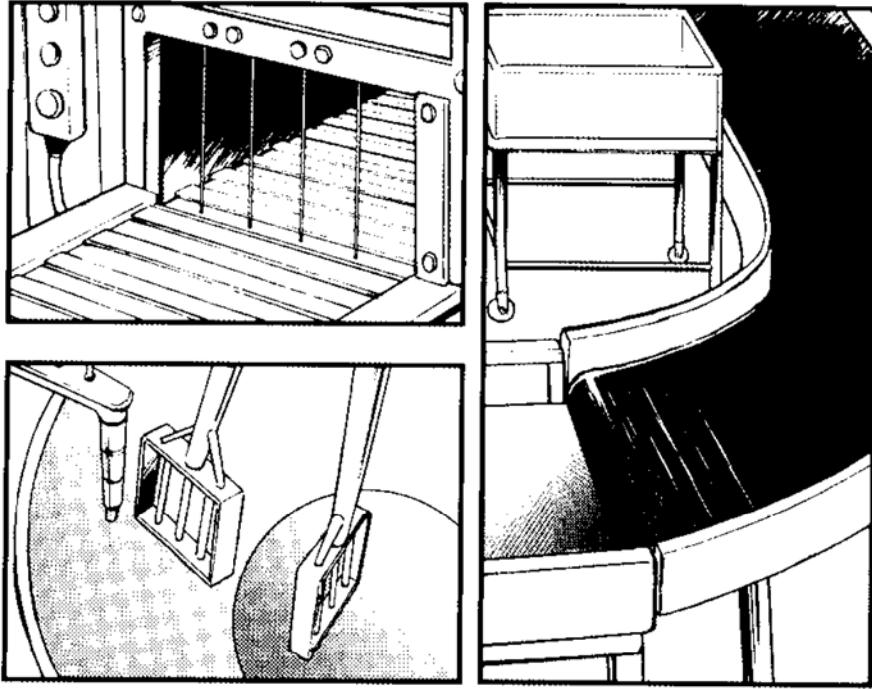
بحران مالی
وارد کارزار می شود

و گردباد "وحشت"
همه جا را
در بر می گیرد

وحشت

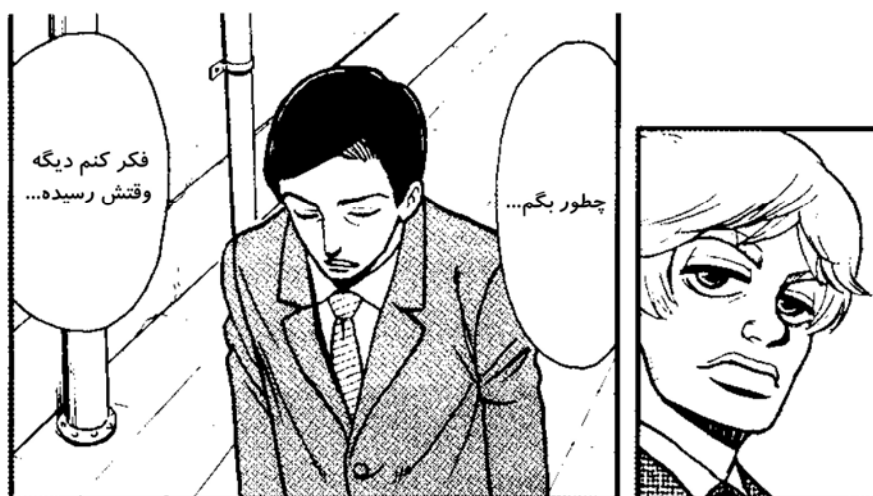






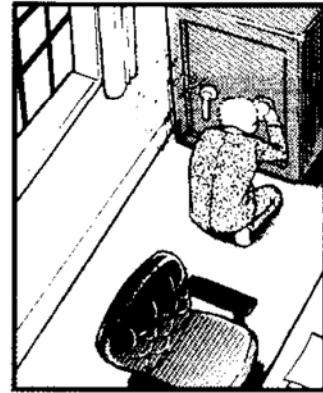
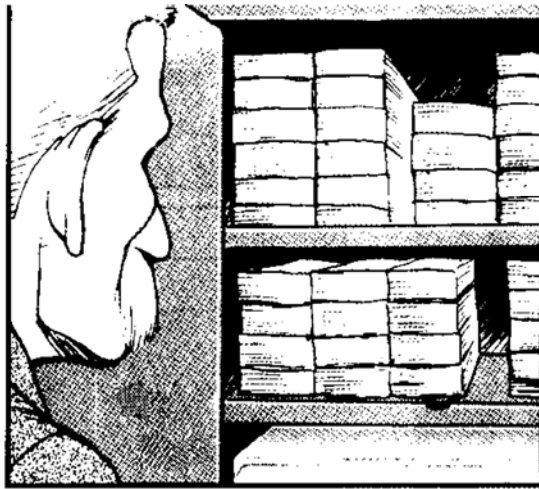












برای فکر کردن
خیلی دیره



آقای
رئیس

مردم معترض
بیرون از بانک
ساکت نمی‌شن
به فکری بکنید...

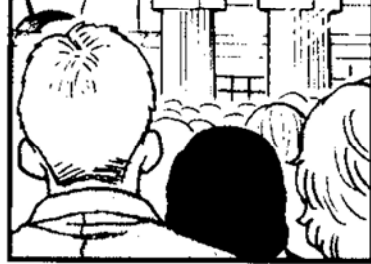
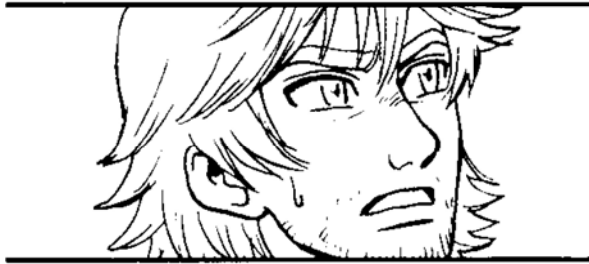


حتا نمی‌دونم
تقصیره
کی هست!

تقصیره
من نیست



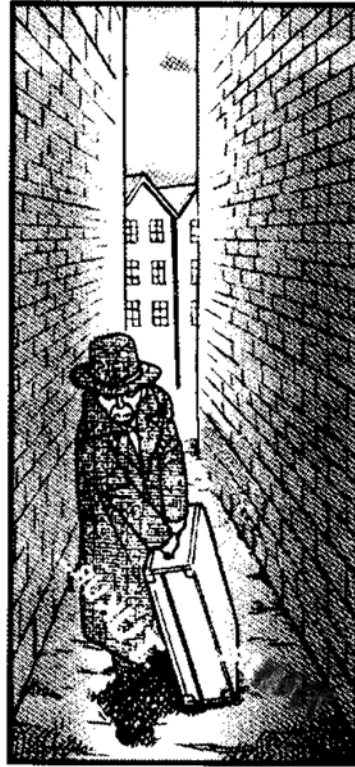
اما...

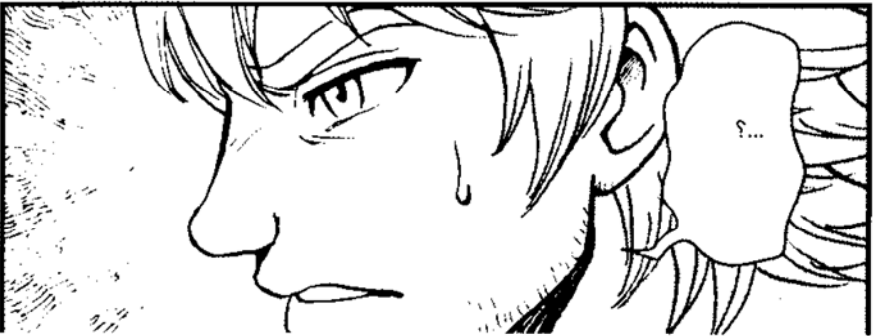
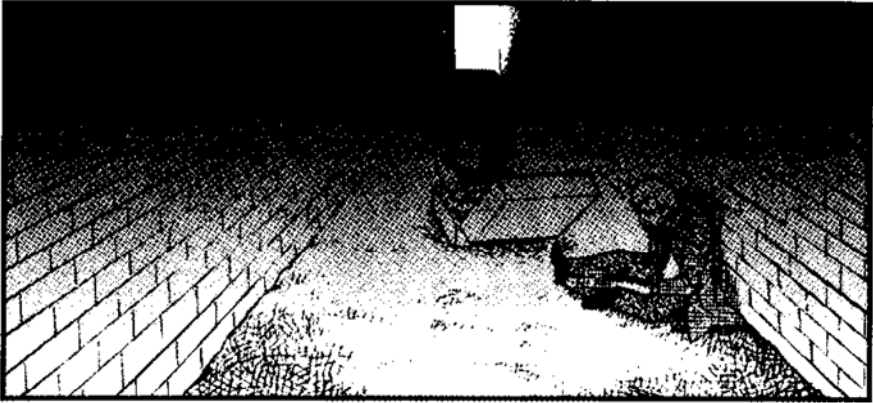


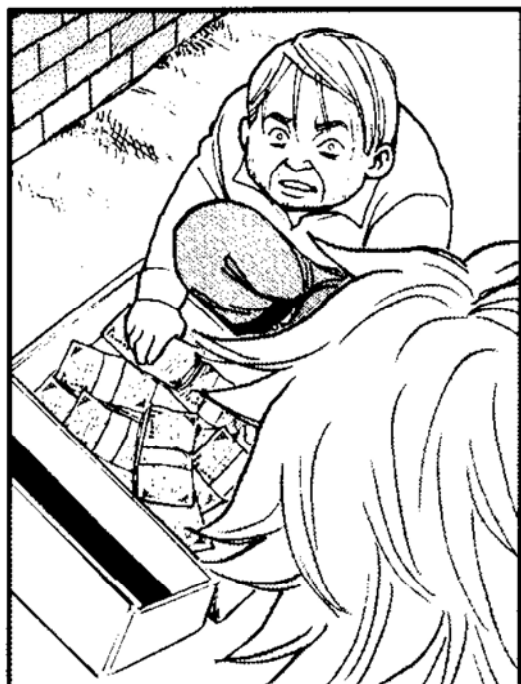
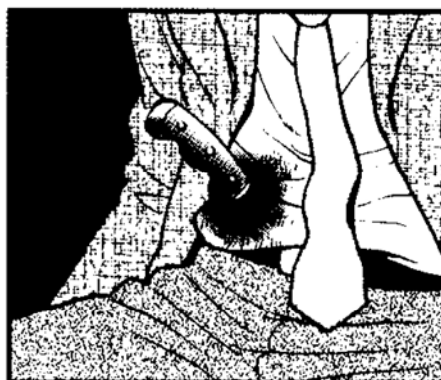
بقیه ش رو
دولت باید
حل بکنه

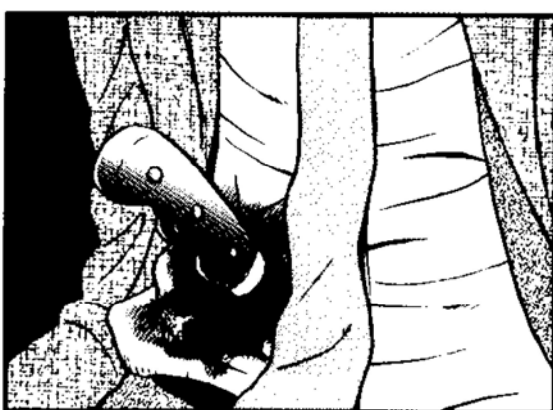
رئیس...











صبر كن
بينم...



فقط همون رو می خوام
بقیه ش برام
مهم نیست

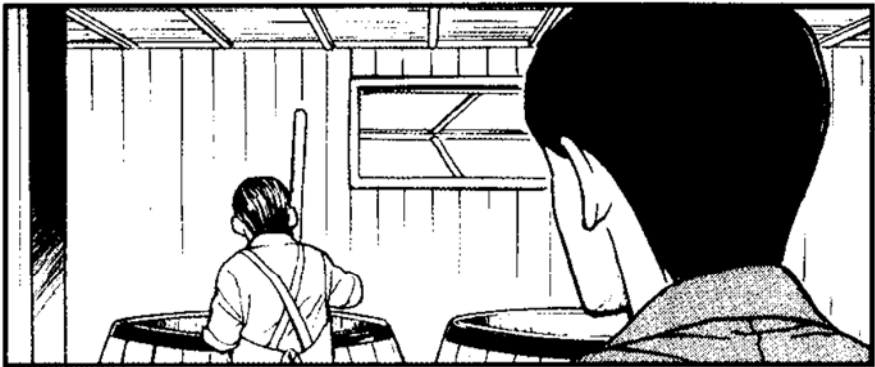
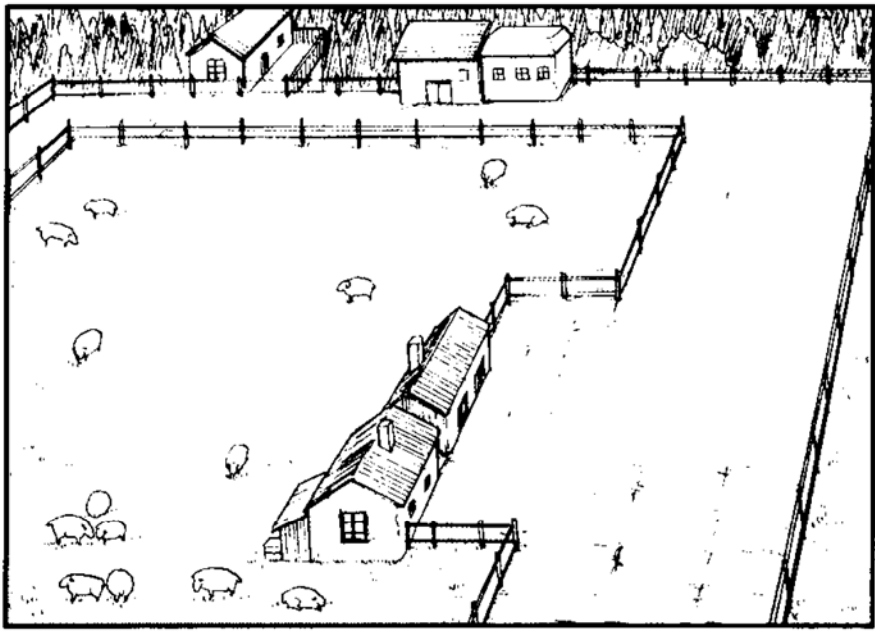
من...
۱۰۰ پول توی حساب
ریخته بودم...

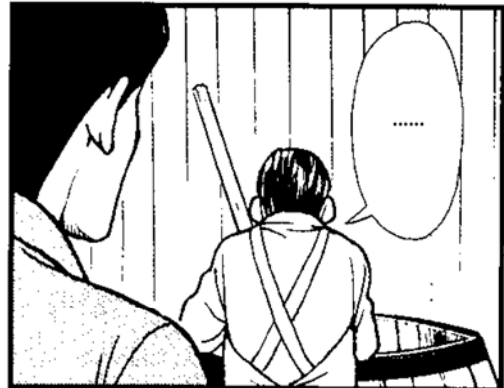


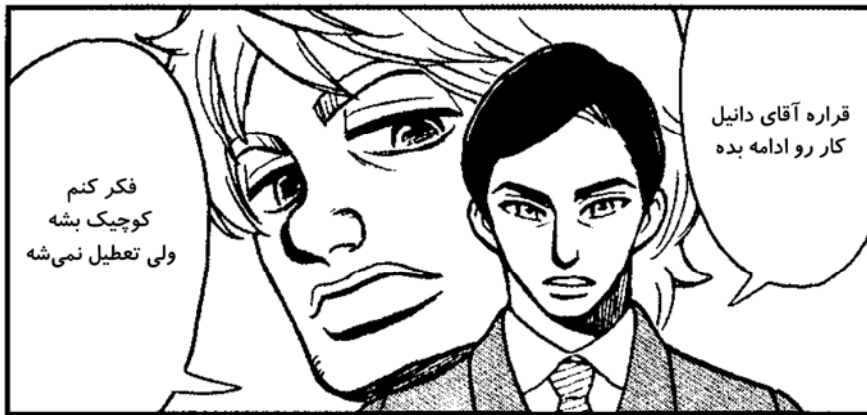
بیا این
تا ۲۰۰

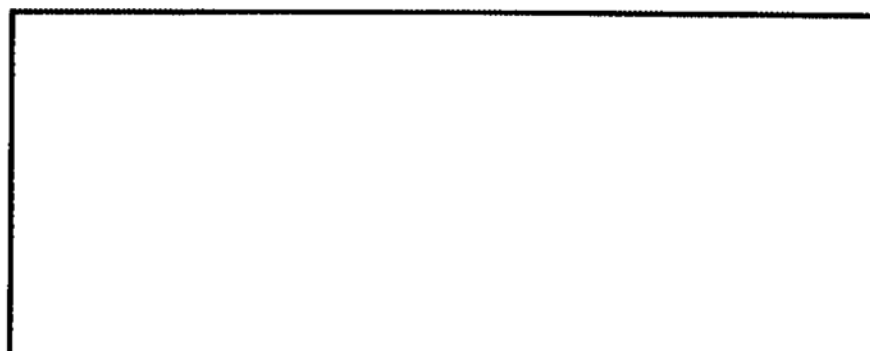
زود گورتو
گم کن
از این جا

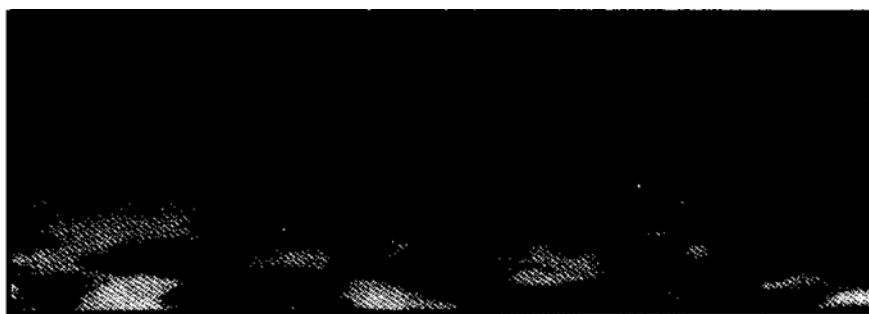




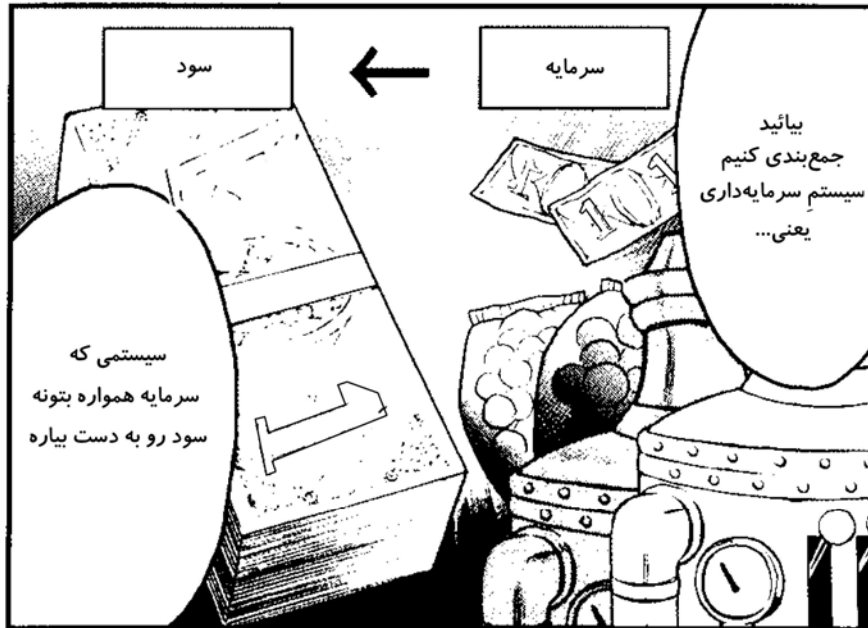
















این ارزش اضافی
از طریق
سرمایه‌ی ثابت
یعنی ابزار تولید
و مواد اولیه
به دست نمی‌آید



ارزش اضافی
سرمایه‌ی متغییر است...
و از چیزی جز
نیروی کار حاصل نمی‌شود

دوباره
تکرار می‌کنیم



کارگرانی که
کارشان را
ماشین‌ها دزدیده‌اند
بیکار می‌شوند

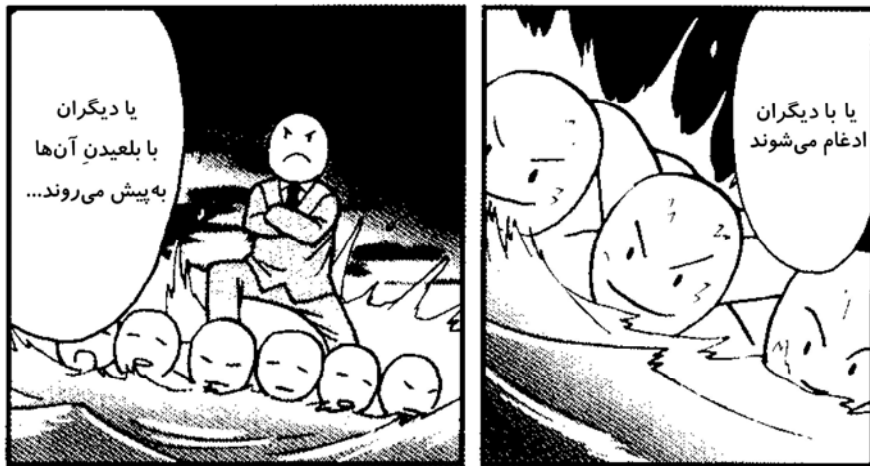


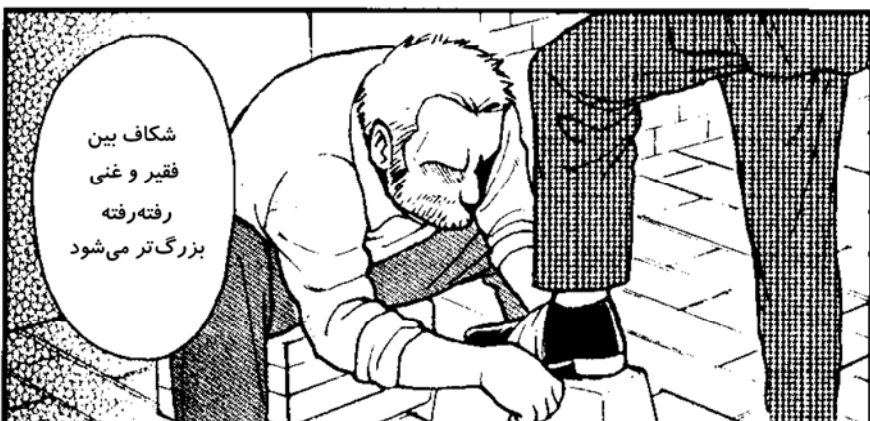
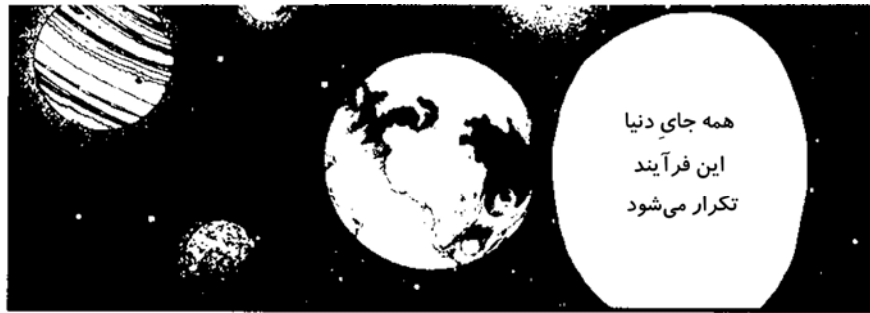
با افزایش
ماشین‌آلات...



حتا در صورت
بالا رفتن مقدار سود
نرخ سود
کاهش می‌یابد...

سهم نیروی کار
در سرمایه
پایین می‌آید و...







تعداد کمی
کشورهای توسعه یافته



سویهی تاریک
سرمایه داری در
کشورهای
تحت سلطه
نمایان می شود...



مبارزه میان سرمایه داران
در سطح جهانی
ادامه می یابد

در حالی که
در جامعه‌ی طبقاتی
کالاها
انباشت می‌شوند...







راه خود را در پیش گیر
و به یاوه‌گویی‌های دیگران
توجه نکن

به هر آنچه که می‌بینی
با تردید نگاه کن

«سرمایه»ی مَصَوَّر که جلدِ دومِ آن تقدیم‌تان می‌شود از رویِ «سرمایه» کتابِ اصلی‌ی کارل مارکس طراحی و داستان‌پردازی شده است. مفاهیمِ اساسی‌ی «سرمایه» در قالبِ داستانی از فرآیندِ تولید در کارخانه‌ی پنیرسازی توضیح داده می‌شود و به این صورت «سرمایه»ی مارکس را، که متنی ترسناک و سخت جلوه می‌کند، به شکلی ساده برای مخاطبینِ بیشتری قابلِ فهم می‌کند. «سرمایه»ی مارکس برای اولین بار در سالِ ۲۰۰۸ از سوی انتشاراتِ ایست‌پرس (East Press) در ژاپن به شکلِ مَصَوَّر منتشر شده است. در جلدِ دومِ سرمایه‌ی مَصَوَّر، پیش‌رفتِ حوادثِ کارخانه‌ی پنیرسازی‌ی رویین و دانیل هم‌آهنگ با قوانینِ عمومی‌ی سرمایه-داری از سوی انگلس، که جلدِ دوم و سومِ «سرمایه» را بعد از مرگِ او [مارکس] جمع‌آوری و منتشر کرد، با زبانی ساده توضیح داده می‌شود. انگلس چگونه‌گی‌ی شکل‌گیری‌ی استثمار و اجتناب‌ناپذیری‌ی بحران‌های اقتصادی در سیستمِ سرمایه‌داری را از رویِ مثالِ کارخانه‌ی پنیرسازی با زبانی جذاب و قابلِ فهم تشریح می‌کند.

شورای دانش‌جویان و جوانان چپ ایران

www.shorayejavanan.com